

۴
کافهمعمار نشر مدرن ایران
به یاد کریم امامی۵
تماشاپرتره فساد و جنون
نقدی بر فیلم پیرپسر۷
کوچهمرگ درختان تهران
ماجرای مشکوک خشک‌شدن درختان۲
سیاست

نقاب نفاق افتاد

تندروها این بار در جامه انقلابی‌گری با حمله به رئیس‌جمهور، صریحاً از اسرائیل درخواست کردند که مسعود پزشکیان را ترور کند. آن‌ها به ظاهر معترض گفت‌وگوی تلویزیونی رئیس‌جمهور با یک مجری آمریکایی‌اند اما حذف رئیس‌جمهور و فروپاشی دولت هدف اصلی آنهاست. اکنون این پرسش جدی پیش روی نهادهای امنیتی قرار دارد: آیا با چنین کنش‌های خطرناکی که بوی خیانت می‌دهد، برخورد خواهد شد؟

یادداشت روز

ستون‌های جدید جنگ

هوش مصنوعی، رسانه و ذهن مردم از پایه‌های اصلی جنگ هستند که قدرتشان با قدرت نظامی برابری می‌کند



علی ربیعی

دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور

بیایید به جنگ ۱۲ روزه از منظر ارتباطات نگاه کنیم. این جنگ، ماهیتی کاملاً متفاوت از جنگ‌های متعارف داشت. از آخرین جنگ‌های کلاسیک منطقه مانند جنگ خلیج فارس که با دخالت مستقیم آمریکا و ناتو انجام شد تا امروز، تحولی چشمگیر در شیوه جنگ‌ها رخ داده است. تحلیل این تحولات، به باور من، خود یک راهبرد ارتباطی است.

در این نبرد، دو عنصر اصلی را شاهد بودیم: فناوری پیشرفته و عملیات روانی. هر دو در کنار هم، چهره‌ای نو از جنگ‌ها را ترسیم کردند. اینک، قدرت نظامی بدون بهره‌گیری از تکنولوژی و عملیات روانی تأثیر کمتری دارد. جنگ آینده نیز بر همین بنیان‌ها استوار خواهد بود. استراتژیست‌ها باید این دگرگونی را درک و در طراحی دفاعی خود لحاظ کنند.

اگر جنگ‌ها را در بستر تاریخ دسته‌بندی کنیم، نخست به جنگ‌های سنتی می‌رسیم؛ نبردهایی همچون جنگ‌های ناپلئون یا جنگ‌های صلیبی که تکیه‌گاهشان نیروی انسانی بود. در ادامه به جنگ‌های مدرن می‌رسیم مانند جنگ جهانی دوم که در آنها سه نیروی زمینی، هوایی و دریایی با تکنولوژی‌های نوین درهم آمیختند. اما اکنون وارد دوره‌ای شده‌ایم که شاید بتوان آن را عصر جنگ‌های پسا صنعتی یا پسامدرن نامید؛ جنگ‌هایی مبتنی بر هوش مصنوعی، حملات از راه دور و جاسوسی دیجیتال.

در این جنگ، نیروی زمینی به معنای سنتی آن تقریباً هیچ نقشی نداشت. هدف، اشغال سرزمینی نبود بلکه ایجاد اختلال، ترس و فشار روانی از طریق ابزارهای فناوریانه و ارتباطی بود. در کنار جاسوسی سنتی شاهد جاسوسی پیچیده‌ای مبتنی بر الگوریتم‌ها، شبکه‌های هوشمند و داده‌کاوی بودیم. این وجه از جنگ، نقطه تمایز آن با نبردهای گذشته است.

بعد دیگر جنگ، عملیات روانی مبتنی بر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بود. رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور، انتشار گسترده اخبار جعلی (فیک‌نوز) و روایت‌سازی هدفمند، بخشی از پازل جنگ روانی بودند. این عملیات، ارزش و تأثیری کمتر از حملات نظامی نداشت.

در این فضا، مردم و ذهنیت عمومی نقش کلیدی داشتند. تصمیم‌ها و رفتار سیاسی مردم، به‌ویژه در برابر اخبار و شایعات، مهم‌ترین سد در برابر نقشه‌های آمریکا و اسرائیل بود. چنین تأثیری از جامعه در جنگ‌های کلاسیک بی‌سابقه است. باید از خود پرسیم: نقش رسانه‌ها در این مقاومت چه بود؟ جایگاه روایت‌سازی کجاست؟ و چه سیاست رسانه‌ای می‌تواند مقاومت ملی را تقویت کند؟

ما به سیاست رسانه‌ای نیاز داریم که بتواند همبستگی ذهنی و هویتی ایرانیان را همانند تمامیت ارضی کشور حفظ و تقویت کند. باید پرسیم آیا آزادی رسانه‌ای در داخل می‌تواند مرجعیت رسانه‌ای را به داخل کشور بازگرداند؟ آیا سیاست‌های رسانه‌ای امروز توانسته‌اند، مردم را به روایت ملی پیوند بزنند؟ نمی‌توان انکار کرد که رسانه‌های خارجی از سر دلسوزی برای ایران فعالیت نمی‌کنند. حتی بسیاری از پژوهش‌های شرق‌شناسانه نیز ناآگاهانه یا آگاهانه در خدمت منافع قدرت‌هاست. رسانه‌هایی چون «صدای مسکو»، «بی‌بی‌سی فارسی» و دیگران بیش از آنکه دغدغه ایران داشته باشند، در پی اهداف خود هستند. متأسفانه ما نتوانسته‌ایم این واقعیت را برای جامعه خود، به‌ویژه نسل‌های جدید، تبیین کنیم.

ادامه در صفحه ۲

تلاش برای صلح

سیدعباس عراقچی در توئیتی نوشت: نتانیا‌هو که آغازگر جنگ علیه ایران بود خیلی زود مجبور شد از رئیس‌جمهور ترامپ برای نجات خود درخواست کمک کند آمریکا نشان داد که می‌تواند به جنگ پایان دهد، اما آیا می‌تواند صلح هم برقرار کند؟



گروه بین‌الملل: سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان اخیراً در پیام خود در شبکه اجتماعی ایکس با اشاره به انتشار یادداشت جدید خود در نشریه فایننشیال تایمز نوشت: «نتانیا‌هو که آغازگر جنگ علیه ایران بود، خیلی زود مجبور شد از رئیس‌جمهور ترامپ برای نجات خود درخواست کمک کند. آمریکا نشان داد که می‌تواند به جنگ پایان دهد. اما آیا می‌تواند صلح هم برقرار کند؟». این پیام عراقچی در شرایط کنونی به خصوص پس از دیدار ترامپ و نتانیا‌هو و گفت‌وگوی اخیر رئیس‌جمهور پزشکیان با تاجر کارلسون همچنین سیگنال‌هایی که برای مذاکرات احتمالی آتی ارسال شده از اهمیت بالایی برخوردار است و از سوی دیگر نشان می‌دهد که دیپلماسی همچنان فعال است؛ چراکه او در چند ماه اخیر به خصوص در هفته‌های گذشته دائماً در حال پیشبرد و تقویت روابط دیپلماتیک در عرصه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. او روز سه‌شنبه نیز با مقامات ارشد عربستان سعودی در جده دیدار کرد که البته این دیدارها به صورت فشرده برگزار شد. عراقچی در این سفر با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی دیدار داشت و روند روابط و همکاری‌های دوجانبه بررسی شد. وزیر امور خارجه کشورمان با تأکید بر اهتمام جمهوری اسلامی ایران نسبت به تقویت روابط با عربستان و دیگر کشورهای همسایه بر اساس حسن همجواری و منافع متقابل دو ملت بر آمادگی ایران برای گسترش مناسبات در حوزه‌های مختلف اقتصادی و تجاری و فرهنگی تأکید کرد. عراقچی همچنین با قدردانی از موضع مسئولانه عربستان در محکوم کردن تجاوزات صورت‌گرفته علیه ایران، دیدگاه جمهوری اسلامی ایران را راجع به وضعیت امنیتی منطقه متعاقب حملات نظامی اسرائیل و آمریکا علیه ایران تشریح و تأکید کرد که تجاوز نظامی اسرائیل و آمریکا که آشکارا ناقض منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل و نیز رژیم منع اشاعه هسته‌ای بود، امنیت و ثبات در کل منطقه غرب‌آسیا را در معرض خطری بی‌سابقه قرار داده و موضع‌گیری منسجم و قاطع کشورهای منطقه علیه آن نشان‌دهنده اجماع منطقه‌ای در مورد ضرورت چاره‌اندیشی جمعی جهت مقابله با توسعه‌طلبی و جنگ‌افروزی اسرائیل است.

ادامه در صفحه ۳



حزب

سه‌م و صدای زنان

دومین جلسه شورای عالی سازمان زنان حزب کارگزاران سازندگی ایران برگزار شد

دومین جلسه شورای عالی سازمان زنان حزب کارگزاران سازندگی ایران با تاکید بر نقش کلیدی زنان در توسعه پایدار و تحقق عدالت جنسیتی برگزار شد. در این نشست، اعضا با صدور بیانیه‌ای خواستار اجرای سهمیه حداقل ۳۳ درصدی برای زنان در ساختارهای مدیریتی حزب و نهادهای انتخاباتی کشور شدند. این نشست که سیدحسین مرعشی دبیرکل حزب هم به صورت مجازی در آن شرکت داشت با طرح مطالبات زیر به کار خود پایان داد:

۱- توسعه پایدار در صورت حضور متعادل و برابر زنان و مردان در سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت اجرایی شکل می‌گیرد.

۲- هر چه صدای زنان و سه‌م زنان در مدیریت ارکان حزب برجسته‌تر باشد، احتمال دستیابی زنان به جایگاه‌های انتخابی و انتصابی در سطح ملی بیشتر است.

۳- برقراری سهمیه‌ها (حداقل ۳۳ درصد) در مدیریت‌های حزبی و در کشور برای زنان می‌تواند در زمانی کوتاه، تاثیرات بزرگ و قابل توجهی در دستیابی به عدالت و کنار زدن موانع تاریخی داشته و به تدریج به یک فرهنگ و عرف و باور تبدیل شود چنانکه در کشورهای توسعه‌یافته‌ای که با سهمیه شروع کردند به چنین نتیجه‌ای رسیده‌اند.

۴- وجود اراده سیاسی قوی و مستمر در رهبری و سایر ارکان حزب همراه با تلاش زنان، ضرورتی انکارناپذیر برای تحقق برابری جنسیتی در حزب و به تبع آن در تدوین سیاست‌های عدالت‌محور در کشور است.

۵- مطابق با سند مواضع حزب، آیین‌نامه سازمان زنان، تجربه احزاب در کشورهای توسعه‌یافته و نکات فوق، اجرای مفاد این بیانیه را به عنوان دستورکار مدیران در مرکز و در استان‌ها به شرح زیر خواستاریم: الف- انتخاب حداقل ۳۳ درصد از زنان برای عضویت در شورای مرکزی، شوراهای استانی، هیأت رئیسه‌ها همچنین در مدیریت ارکان حزبی با توجه به برگزاری کنگره مرکزی و کنگره‌های استانی در سال جاری.

ب- قرار دادن زنان در لیست‌های انتخاباتی شوراهای شهر و مجلس شورای اسلامی در کشور به میزان حداقل ۳۳ درصد

ج- معرفی زنان عضو حزب برای تصدی پست‌های مدیریتی در کشور با توجه به سهمیه حداقل ۳۳ درصدی

د- ایجاد ساختار دو رکنی در حزب به نحوی که برای سمت‌های دبیر و رئیس در مرکز و در استان‌ها، یک زن و یک مرد با هدف پرورش رهبران زن، آموزش میدانی زنان و رفع موانع سنتی برای ارتقای زنان در نظر گرفته شود.

هـ- ایجاد پشتوانه سیاسی، اجتماعی و مالی ویژه برای حمایت از فعالیت‌های زنان در حزب و در کشور و- حضور و حق رأی نماینده سازمان زنان در مجامع تصمیم‌گیری حزب به عنوان عضو حقوقی ز- اجرای بند ۴ ماده ۲۴ آیین‌نامه سازمان زنان مبنی بر ضرورت حضور زنان در هیأت رئیسه شوراهای استانی به عنوان شرط عضویت حقوقی آنها در شورای عالی سازمان زنان

ح- راه‌اندازی دفاتر استانی سازمان زنان ط- تدوین و اجرای دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، تکنولوژی و...

ی- الگوسازی‌های زنانه برای نهادینه کردن تجارب زیسته زنان و ایجاد انگیزه برای دختران جوان ک- حضور نماینده سازمان زنان در کنگره‌های استانی و برقراری ارتباط مستمر و دو جانبه با استان‌ها

۶- سیاست‌گذاری‌های حزبی، سهمیه‌های انتخاباتی، برابری جنسیتی در ارکان حزبی، وجود نهادهای پشتیبانی مالی و سیاسی برای زنان و بالاخره عملکرد عادلانه حزب کارگزارن سازندگی ایران در حوزه زنان، محکی خواهد بود برای جذب و عضویت دختران جوان در این حزب و گسترش فعالیت‌های حزبی.

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

نقاب نفاق افتاد

تندروها این بار در جامه انقلابی‌گری با حمله به رئیس‌جمهور، صریحاً از اسرائیل درخواست کردند که مسعود پزشکیان را ترور کند. آن‌ها به‌ظاهر معترض گفت‌وگوی تلویزیونی رئیس‌جمهور با یک مجری آمریکایی‌اند، اما حذف رئیس‌جمهور و فروپاشی دولت هدف اصلی آن‌هاست اکنون این پرسش جدی پیش روی نهادهای امنیتی قرار دارد؛ آیا با چنین کنش‌های خطرناکی که بوی خیانت می‌دهد، برخورد خواهد شد؟

این اقدامات است. حتی مصاحبه اخیر رئیس‌جمهور با تاکر کارلسون- خبرنگار شناخته شده آمریکایی- که حتی تحسین رسانه‌هایی مانند «مشرق نیوز» و حسین سلیمانی، سردبیر آن را نیز به دنبال داشت، موجی از خشم در میان تندروها ایجاد کرده است. این خشم نه به دلیل محتوای مصاحبه بلکه به دلیل شکسته شدن انحصار روایت‌سازی آنها در رسانه‌های بین‌المللی است. مصاحبه‌ای که رئیس‌جمهور در آن به صورت شفاف از اصول جمهوری اسلامی، مبارزه با تروریسم و سیاست‌های خصمانه غرب سخن گفت، اکنون از سوی چهره‌هایی چون امیرحسین نابتی- نماینده مجلس و مجری سابق تلویزیون- به «اقدامی شرم‌آور» تعبیر شده است. او از جانب پارلمان هم سخن گفت و تهدید کرد که اگر دولت مسیر سیاست خارجی خود را تغییر ندهد، مجلس برخورد جدی‌تری در پیش خواهد گرفت. مشابه همین تهدیدها از سوی حمید رسایی نیز مطرح شده؛ فردی که خواستار تعیین روزی برای سر دادن شعارهای ضدآمریکایی از پشت‌پام‌ها شده است. همچنین حمید رسایی، نماینده تهران در مجلس توثیت یک کاربر آذربایجانی را بازنشر کرد و در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «بعد از شنیدن مصاحبه آقای پزشکیان با تاکر کارلسون، مجری شبکه آمریکایی، توثیت یکی از فعالان سیاسی جمهوری باکو درباره ایشان را دیدم. سوگمندانه و با عرض شرمندگی باید بگویم، توصیف دقیقی کرده است: پزشکیان مثل دکتر رشید محمدوف ماست. خوش‌زبان و مهربان است اما فقط به درد مراسم خواستگاری می‌خورد نه ریاست. آن هم به شرطی که فقط جای بخورد و حرف نزند چون ممکن است با یک جمله همه چیز را خراب کند».

زهره‌سادات لاجوردی، نماینده تهران و عضو شورای مرکزی جبهه پایداری نوشت: «ملت ایران تا کی باید هزینه ساده‌لوحی و اعتماد به آمریکا از جانب برخی دولتمردان را بدهد؟!»

قاسم روانبخش، دیگر نماینده تهران و استاد موسسه آیت‌الله مصباح اینگونه به مصاحبه واکنش نشان داد: «آقای پزشکیان! در این مصاحبه اخیر از خود بیرون آمدی و در قالب ظریف سخن گفتی! ای کاش با سکوت می‌کردی یا در همان قالب خودتان می‌ماندید. با این مصاحبه دل دشمنان را شاد کردید و انسجام ملی را شکستید! امیدوارم جبران کنید».

میثم ظهوریان، نماینده مشهد در توئیتر نوشت: «هنر یک مقام ایرانی در مصاحبه‌ای در زمان حال باید ارائه تصویر یک ملت مظلوم مقتدر باشد نه مظلوم تو سری خورده‌ای که از ترس یک ظالم به ظالم دیگر همدست او پناه می‌برد». حال همچنان موج هجمه‌ها علیه رئیس‌جمهور با فضای مجازی با هشتگ عدم کفایت سیاسی پزشکیان ادامه دارد. این موج فعلاً فقط در شبکه‌های اجتماعی است اما صحنه‌گردانان آن مشخص هستند. دو کارزار استیضاح و اعلام کفایت سیاسی رئیس‌جمهور در این فضا پیگیری می‌شود که با پاسخ حامیان پزشکیان نیز روبه‌رو شده است. حمله اسرائیل و آمریکا به ایران، سفر پزشکیان به باکو و چند رفتار اشتباه، عدم شرکت در اجلاس سران بریکس و حضور عراقچی در این اجلاس و در آخر هم مصاحبه با کارلسون، اقدامات این جریان همچنین فحاشی به پزشکیان را در شبکه‌های اجتماعی بیشتر کرده است.

در مجموع این پرسش اساسی اکنون پیش روی نهادهای نظارتی و امنیتی قرار دارد: آیا زمان آن نرسیده که با مصادیق آشکار خط نفوذ- آن هم از نوع تندروانه و نفرت‌پراکن- برخورد شود؟ در دورانی که مردم ایران، تجربه‌ای تلخ از تدروی در عرصه سیاست خارجی و داخلی دارند، حذف صدای عقلانی و تقویت صدای نفرت، تنها می‌تواند کشور را به سمت شکاف‌های خطرناک‌تری سوق دهد.

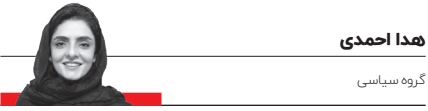


پرستو فروهر است. اولی بر اساس تعلّقش به حزب، دسته، گروه و تجربه‌اش در پادفند غیرعامل که رفتارش بیشتر خردزنی است تا دفاعی، راضی به ترور یک ایرانی (نمی‌گویم رئیس‌جمهور) به دست اسرائیل می‌شود و دیگری با آن همه زخمی که بر روح دارد، برنمی‌تابد که در مورد وجبی از وطش یا تار مویی از هبوطش تعرضی شود. از همین جا به راحتی می‌توان دریافت که کدام معیار برای کدام آدم‌ها، وضعیت را به اینجا رسانید.

حمله عاشری، هرچند شخصی به نظر می‌رسد اما به عقیده ناظران سیاسی، تنها توک کوه یخ یک جریان تندرو و رادیکال است که سال‌هاست در پوشش انقلابی‌گری به بی‌ثبات‌سازی داخلی، نفرت‌پراکنی و تضعیف دولت‌های قانونی می‌پردازد. این جریان که لایه‌هایی از آن در مجلس، شوراهای نهادهای رسمی و حتی برخی نهادهای رسانه‌ای رخنه کرده، امروز نه تنها رئیس‌جمهور را به خیانت متهم می‌کند بلکه در همراهی با دشمن خارجی، رسماً به تحریک برای ترور بالاترین مقام اجرایی کشور پرداخته است. حال در این شرایط، بسیاری می‌پرسند، آیا وقت آن نرسیده که دستگاه‌های امنیتی و قضایی نسبت به این رفتارها، واکنش قاطع و مسئولانه نشان دهند؟ آیا همچنان قرار است سکوت، جای برخورد قانونی را بگیرد؟

رنج تندروها ز دیپلماسی هوشمند

این طیف که به گفته برخی منابع نزدیک به چهره‌هایی چون سعید جلیلی و اعضای طیف پایداری ارتباط دارند از همان روزهای آغاز به کار دولت پزشکیان، کارزارهای هجمه علیه او را در فضای مجازی آغاز کردند. راه‌اندازی کمپین استیضاح در پلتفرم‌هایی مانند «کارزار»، تحریف مواضع دیپلماتیک رئیس‌جمهور و تلاش برای القای خیانت بودن گفت‌وگو با رسانه‌های خارجی مانند تاکر کارلسون، تنها بخشی از



هدا احمدی

گروه سیاسی

در این روزهای ایران که جامعه بیش از هر زمان به آرامش، وحدت و عقلانیت نیاز دارد، انتشار یک استوری اینستاگرامی از سوی عضو شورای شهر رشت، پرده از نقاب نفاق برداشت و بار دیگر چهره واقعی برخی مدعیان انقلابی‌گری را عیان کرد. کسانی که در لباس عدالت به صراحت دست به دعوت از دشمن خارجی برای ترور رئیس‌جمهور منتخب ملت می‌زنند و در عین حال خود را مدافع آرمان‌های انقلاب معرفی می‌کنند. رضا عاشری، عضو شورای شهر رشت با انتشار یک استوری جنجالی در صفحه اینستاگرام خود، مستقیماً از اسرائیل خواست تا «پزشکیان» رئیس‌جمهور ایران را ترور کند. در این استوری، او در لحنی تمسخرآمیز و رادیکال، رئیس‌جمهور را «غول مرحله آخر» توصیف کرد و از اسرائیل خواست که او را همانند شهید رئیسی «به درجه رفیع شهادت نائل کند».

این استوری نه فقط توهین به شخصیت رئیس‌جمهور و بازی با خطوط قرمز امنیتی کشور است بلکه عملاً دعوت رسمی از دشمن برای انجام اقدامی تروریستی محسوب می‌شود. از نگاه تحلیلگران سیاسی، این اقدام عاشری آشکارترین نمود «نفوذ معکوس» است: ضربه به نظام از درون با شعار دفاع از نظام.

در ادامه همان استوری، عاشری سخنانی مطرح می‌کند که عملاً اتهام‌زنی به یکی از چهره‌های شاخص دفاعی کشور یعنی شهید حسن باقری- فرمانده شهید ستاد کل نیروهای مسلح- تلقی می‌شود. در حالی‌که ستاد کل نیروهای مسلح و شخص شهید باقری در طول حیات خود چندین بار فرضیه ترور ابراهیم رئیسی را رد کرده بودند، عاشری در کمال بی‌پروایی تلویحاً با بازنشر این فرضیه بی‌اساس به تردیدافکنی درباره یکی از مقامات بلندپایه دفاعی کشور دامن می‌زند. این عضو شورای شهر رشت، عمران خوانده و با مهدی فلاح نماینده پایداری رشت رابطه نزدیکی دارد. در سوابق او عضو ارشد ستاد جلیلی (معاونت پشتیبانی) و از همه عجیب‌تر مسئولیت اجرایی در «ستاد پدافندغیرعامل» هم دیده می‌شود. البته ماجرای استوری عضو شورای شهر رشت که بهانه‌ای برای این گزارش شد تنها به همین جا ختم نمی‌شود. در ادامه استوری‌های جنجالی خود، رضا عاشری پا را فراتر گذاشته و حتی رئیس قوه قضاییه را نیز تهدید کرده است. او خطاب به محسنی‌اژای می‌نویسد: «اگر روزنامه هم‌میهن را نمی‌بندی، آتش به اختیار می‌بندیم!» این تهدید صریح نسبت به رسانه‌ای داخلی، یادآور حملات غیرقانونی به دفاتر مطبوعات در دهه‌های گذشته است و نشان می‌دهد، بخشی از این جریان، آشکارا به اقدامات خودسرانه اعتقاد دارد و آن را تبلیغ می‌کند. روزنامه هم‌میهن در روزهای اخیر گزارش‌هایی درباره مواضع دولت پزشکیان و تحولات بین‌المللی منتشر کرده بود. این حمله آشکار به رسانه‌ای داخلی، بیانگر آن است که مرزهای رفتار این جریان نه با اخلاق و قانون بلکه با منافع آنی‌شان تعریف می‌شود. ساعتی پس از انتشار استوری، محمدحسین واقی کارگرتیا، رئیس شورای شهر رشت در گفت‌وگو با اصلاحات نیوز رسماً از این اظهارات برائت جست و تأکید کرد که این سخنان، موضع شورا نبوده بلکه نظر شخصی آقای عاشری است و او باید پاسخگوی آن باشد. کارگرتیا با یادآوری اینکه رئیس‌جمهور با رأی مستقیم ملت انتخاب شده است بر ضرورت حمایت از او و وحدت ملی تأکید کرد.

تا اینجا چاره‌ای نداریم جز اینکه بر نقولشان بنگریم و بر عقولشان بخندیم اما نکته مهم ماجرا، مقایسه نگاه چنین افرادی با فردی چون

ادامه یادداشت روز

ستون‌های جدید جنگ

یصاد پدرم می‌افتم که در خانه همیشه «رادبو مسکو» و «بی‌بی‌سی» گوش می‌داد؛ چون به اخبار داخلی اعتماد نداشت. امروز هم همان بی‌اعتمادی، ولسو به‌دلائل متفاوت، ادامه دارد. ما باید بتوانیم با نسل دهه ۷۰ و ۸۰ بی‌پرده صحبت کنیم و بگویم که این رسانه‌ها نه از سر دلسوزی بلکه برای تحقیر ایران و تضعیف اعتماد اجتماعی کار می‌کنند.

در پاسخ به این پرسش که «آیا دولت برنامه‌ای برای تقویت رسانه‌ها دارد؟» باید گفت: بله اما هم‌زمان باید بپذیریم که در زمان جنگ، فضای امنیتی بر سیاست رسانه‌ای تأثیر می‌گذارد. این موضوع در همه کشورهای دنیا رخ می‌دهد. نکته کلیدی این است که سیاستی که مردم را به رسانه‌های خارجی سوق دهد، ضد

امنیت ملی است. باید به رسانه‌های داخلی اعتماد کرد و فضای نقد، تحلیل و روایت را در داخل گسترش داد. شب اول حمله، رسانه ملی پرریننده‌ترین رسانه بود. باید پذیرفت که در زمان جنگ، سیاست امنیتی بر رسانه سایه می‌افکند. اما هم‌زمان باید راه‌هایی برای مشارکت بیشتر رسانه‌ها در روایت ملی جست‌وجو کرد. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همراهی دولت باید این مسیر را هموارتر کند. تعبیر «جنگ» ۱۲ روزه» آن‌گونه که امروز مطرح می‌شود نه بیانگر دفاع میهنی است، نه منعکس‌کننده هویت ایرانی. همان‌طور که عنوان «وعده صادق ۳» نیز نامناسب و نادرست است. ما نیاز به بازنگری در سیاست رسانه‌ای داریم. دیگر نمی‌توان با روایت‌های رسمی که بی‌ارتباط با افکار عمومی هستند به جامعه

پاسخ داد. به باور من، در روز نهم یا دهم، برنامه‌ریزان این جنگ می‌خواستند، کار ایران را یک‌سر کنند. وقتی ترامپ گفت «تهران را ترک کنید» معنایش روشن بود. ماجرا به بمباران زندان اوین رسید؛ جایی که زندانی، زندان‌بان، مددکار و سرباز شهید شدند. آنها تصور می‌کردند، مردم به خیابان‌ها بریزند، اما برعکس، این اتفاق نفرت عمومی از اسرائیل را تشدید کرد. براندازی پس از جنگ هیچ ملتی را خوشبخت نکرده است.

اگر این طرح موفق می‌شد، شهرها ویران و روستاها آواره می‌شدند. میلیون‌ها ایرانی آسیب می‌دیدند. اما مهم نیست که پس از ویرانی چه بر سر ایران می‌آمد؛ تنها چیزی که برای اسرائیل اهمیت داشت این بود که ایران قوی نباشد.

زدوخورد در اربیل

چرا اقلیم کردستان عراق درگیر تقابل داخلی شد؟

فرشاد گلزاری

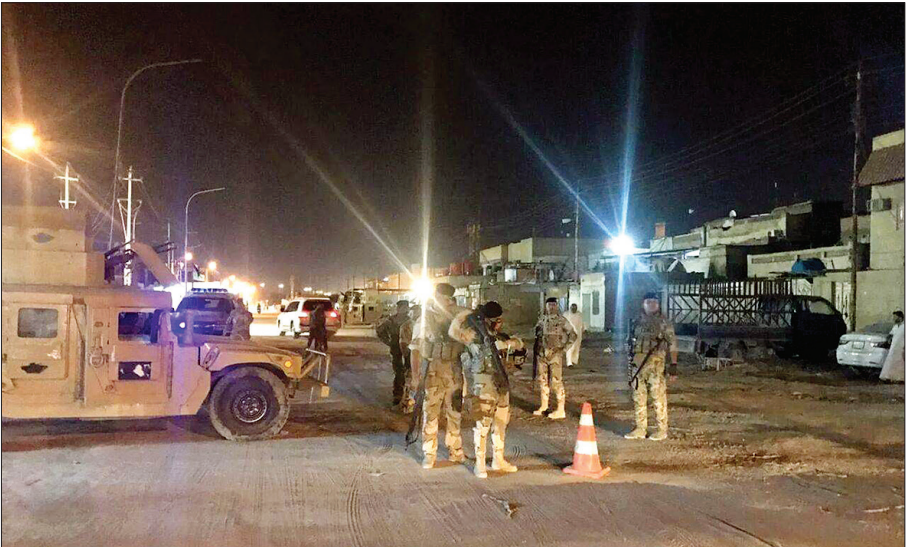
گروه بین‌الملل



اقلیم کردستان عراق (سه‌شنبه شب) شاهد درگیری‌های مسلحانه جدید بود که تا چهارشنبه هم ادامه داشت. خبرگزاری رسمی عراق (واع) در این خصوص اعلام کرد که درگیری مسلحانه‌ای بین قبیله اله‌رکی و نیروهای امنیتی در منطقه خیبات استان اربیل رخ داد که منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی افراد و آتش گرفتن تعدادی از خودروهای امنیتی شد. منابع محلی به این خبرگزاری اعلام کردند که علت این اختلاف بر سر آبیاری زمین‌های کشاورزی پس از تغییر مسیر یکی از شاخه‌های رودخانه زاب بزرگ بود و گفته شده که رهبر عشیره اله‌رکی از بقیه قبایل استان اربیل درخواست کرد که در کنار آنها بایستند. در ساعات ابتدایی این درگیری اعلام شد که قبایل کرد کنترل بزرگراه بین‌المللی بین دهوک و اربیل، بزرگراه بین‌المللی آکره و مناطق اطراف اربیل، لاجان و سیبران را در دست گرفته‌اند و پیشمرگه شروع به استفاده از سلاح‌های سنگین علیه قبایل کرد کرده است. در عین حال شیخ عشیره اله‌رکی تهدید به

ادامه تیتیریک

گشودن جبهه جدیدی بین اربیل، موصل و دهوک کرد که یک خط استراتژیک و شریان اقتصاد منطقه محسوب می‌شود. او همچنین تهدید کرد که در گام دوم، خطوط لوله نفتی که به ترکیه نفت می‌رساند و از اربیل، موصل و دهوک عبور می‌کند را قطع خواهد کرد. در همین ارتباط خبرگزاری کردپرس در تشریح وقایع درگیری‌های اخیر در اربیل نوشت: درگیری‌های مسلحانه میان نیروهای حزب دموکرات کردستان و عشیره اله‌رکی در منطقه «خبات» اربیل که با تلاش ناکام برای دستگیری «خورشید هرکی» چهره ارشد این عشیره شعله‌ور شد به بحرانی عمیق در اقلیم کردستان عراق تبدیل شده است. این تنش‌ها که ریشه در اختلافات ملکی با عشیره گوران، نارضایتی‌های معیشتی و شکاف‌های سیاسی دارد، وحدت داخلی اقلیم را به چالش کشیده و پیامدهای گسترده‌ای برای ثبات منطقه‌ای به همراه داشته است. از سوی دیگر گفته شده، فراخوان جوهر محی‌الدین هرکی، رئیس عشیره اله‌رکی برای بسیج هرکیان و تظاهرات ضد حکومتی در «قلادزی» (قلعه دیزه) نشانه‌ای از تشدید شکاف میان جامعه محلی و حاکمیت حزب دموکرات کردستان است. درگیری‌های اخیر در منطقه خبات اربیل زمانی آغاز شد که نیروهای امنیتی حزب دموکرات کردستان به دستور



ملی را مورد بررسی قرار دادند. دو طرف همچنین مواضع عراق و ترکیه در مورد تصمیم حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) برای انحلال خود و هماهنگی با دولت اقلیم کرستان در این زمینه را مورد بحث قرار دادند. این دیدار در چارچوب تلاش‌ها برای تقویت وحدت ملی و حل‌وفصل مسائل بلاتکلیف و حل نشده بین دولت مرکزی و اقلیم کردستان انجام شد. دفتر رسانه‌ای مشاور امنیت ملی عراق با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که الاعرجی پس از آنکه از سوی محمد شیاع السودانی، نخست‌وزیر عراق برای بررسی این موضوع مأموریت یافت، وارد استان اربیل شد. این در حالی است که برخی از منابع خبری همچنین اعلام کرده‌اند که در شب درگیری در اربیل، پهنادهای ترکیه اقدام به گشت‌زنی در آسمان کردستان عراق کردند.

مسرور بارزانی، نخست‌وزیر اقلیم، برای اجرای حکم دستگیری «خورشید هرکی» اقدام کردند. برخی رسانه‌های کُردی هم گزارش دادند این حکم از سوی دادگاه اربیل به دلیل اختلافات ملکی با عشیره گوران صادر شده بود.

تبادل نظر میان بغداد - اربیل

در این میان بغداد نگران گسترش این درگیری‌هاست و به این دلیل قاسم الاعرجی، مشاور امنیت ملی عراق (چهارشنبه) با نیچروان بارزانی، رئیس اقلیم کردستان عراق در اربیل دیدار کرد و دو طرف در جریان این دیدار، روابط بین دولت مرکزی و اقلیم کردستان و راه‌های تقویت همکاری و هماهنگی برای رفع موانع و حل و فصل مسائل و پرونده‌های حل‌نشده با توجه به منافع عالی

تلاش برای صلح

عزم ریاض برای توسعه همه‌جانبه روابط

ولیعهد عربستان سعودی با ابراز رضایت از روند رو به رشد تفاهم و همکاری میان دو کشور بزرگ اسلامی، تصریح کرد رهبری عربستان مصمم به ادامه این مسیر و توسعه روابط در همه عرصه‌ها است. ولیعهد عربستان با تأکید بر محکومیت تجاوز نظامی علیه تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ایران، صیانت از امنیت و ثبات منطقه را در گرو همکاری و تفاهم کشورهای منطقه دانست و تأکید کرد عربستان از همه ظرفیت‌های خود برای جلوگیری از تشدید ناامنی و استفاده از ابزار دیپلماسی جهت حل مسائل استفاده خواهد کرد و در این زمینه آماده هر نوع مساعدت است. خبرگزاری واس هم نوشت: «ولیعهد عربستان سعودی در دیدار با وزیر خارجه ایران ابراز امیدواری کرد که توافق آتش‌بس بین ایران و اسرائیل به ایجاد شرایطی برای تقویت امنیت و ثبات در منطقه کمک کند و بر موضع عربستان سعودی در حمایت از گفت‌وگو از طریق ابزارهای دیپلماتیک به عنوان وسیله‌ای برای حل اختلافات تأکید کرد».

دیدار با وزرای دفاع و خارجه

قبل از ملاقات و گفت‌وگوی عراقچی با محمد بن سلمان، او (ظهر سه‌شنبه) با فیصل بن فرحان، وزیر خارجه عربستان در دفتر وزارت خارجه عربستان سعودی در جده دیدار و گفت‌وگو کرد و دو طرف درباره روابط دوجانبه و تحولات منطقه ریزنی کردند.

پس از این دیدار، رئیس دستگاه دیپلماسی ایران با خالد بن‌سلمان، وزیر دفاع عربستان سعودی در مورد روابط دوجانبه و تحولات منطقه‌ای و تجاوز اسرائیل علیه ایران گفت‌وگو و تبادل نظر کرد. در این دیدار، ضمن بررسی روند رو به رشد روابط دوجانبه، در مورد آخرین وضعیت امنیت منطقه متعاقب تجاوز نظامی اسرائیل و آمریکا علیه ایران بحث و تبادل نظر شد. عراقچی با ابراز خوشوقتی از استمرار رایزنی‌های مفید دو کشور در حوزه‌های امنیتی و دفاعی، سفر اخیر امیر خالد به تهران را در پیشبرد همکاری‌های دو کشور در راستای تقویت امنیت و ثبات در منطقه بسیار مهم و موثر دانست. وزیر امور خارجه کشورمان در دیدار با وزیر دفاع عربستان تجاوز نظامی اسرائیل علیه ایران و حمله به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز کشورمان را جنایتی نابخشودنی و تعرضی بی‌سابقه علیه صلح و امنیت منطقه و جهان دانست و از موضع مسئولانه و قاطع عربستان در محکوم‌کردن این تجاوز تشکر کرد.



عراقچی همچنین حملات اسرائیل علیه ایران را نتیجه بی‌کیفرمانی اسرائیل در جنایات ارتكابی علیه مردم فلسطین و تجاوزهای مستمر آن علیه دیگر کشورهای منطقه دانست و تأکید کرد کشورهای منطقه باید با در نظر داشتن تبعات بسیار خطرناک ناشی از توسعه‌طلبی و سطره‌جویی اسرائیل، تلاش مضاعفی برای تقویت سازوکارهای امنیت درون‌زا در سطح منطقه به کار گیرند.

وزیر دفاع عربستان هم در این دیدار با تأکید بر موضع این کشور در نفی و محکوم‌کردن تجاوز نظامی اسرائیل علیه ایران، شهادت جمعی از شخصیت‌های نظامی و مردم ایران در جریان این حملات تجاوزکارانه را تسلیت گفت. خالد بن سلمان همچنین با اشاره به آثار و تبعات خطرناک قانون‌شکنی اخیر اسرائیل بر صلح و امنیت منطقه، بر ضرورت همکاری بیش از پیش کشورهای منطقه برای مواجهه موثر با عوامل ناامن‌ساز و ثبات‌زدا تأکید کرد.

از سوی دیگر وزیر دفاع عربستان پس از دیدار با سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه ایران در صفحه خود در ایکس نوشت: با دکتر عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، دیدار کردم. در این دیدار، جنبه‌های مختلف همکاری‌های دوجانبه را بررسی کردیم. همچنین درباره تحولات منطقه‌ای و تلاش‌ها برای ارتقای امنیت و ثبات و نیز چندین موضوع دیگر مورد علاقه مشترک گفت‌وگو داشتیم.

سه دیدار، سه محور

به موازات این دیدارها رضا غنائتی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در عربستان سعودی در شبکه ایکس با اشاره به حضور یک روزه سیدعباس عراقچی در جده درباره این دیدارها نوشت: «یک روز در جده و سه دیدار برای وزیر خارجه ایران با شاهزاده محمد بن سلمان ولیعهد سعودی، شاهزاده خالد بن سلمان وزیر دفاع و شاهزاده فیصل بن فرحان وزیر امور خارجه».

اروپا

تسلیح اروپا علیه مسکو

رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپا چگونه تهدید روسیه علیه قاره سبز را هشدار داد؟

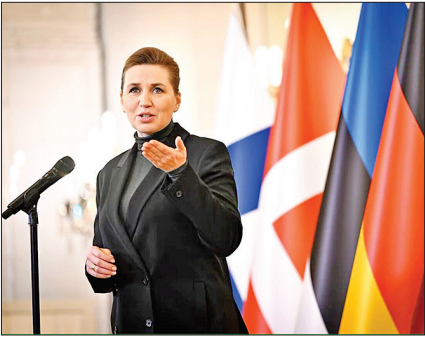
مت فردریکسن، نخست‌وزیر دانمارک و رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپا طی سخنرانی در پارلمان اروپا با اشاره به اینکه روسیه ممکن است به خطر جدی برای قاره سبز تبدیل شود، گفت که صنایع دفاعی در اروپا و اوکراین باید ظرف ۵ سال آینده برای مقابله با این موضوع تقویت شوند. او همچنین تأکید کرد که کاهش هزینه‌های دفاعی ما در ۳۰ سال گذشته یک اشتباه بزرگ بود».

فردریکسن در این مورد گفت: «تقویت صنعت دفاعی اروپا اولویت اصلی است. ما باید بتوانیم حداکثر تا سال ۲۰۳۰ از خود دفاع کنیم و هرگز نباید اجازه دهیم، اروپا دوباره در موقعیتی قرار گیرد که نتواند از خود دفاع کند».

سایر مقامات اروپایی نیز بارها هشدار داده‌اند که ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه ممکن است به زودی تلاش کند تا تضمین امنیتی ماده ۵ سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (نا‌تو) را آزمایش کند. بر اساس این ماده هر گونه حمله به هر یک از متحدان با پاسخ جمعی از سوی هر ۳۲ کشور عضو این ائتلاف نظامی که غالباً نیز کشورهای اروپایی هستند، مواجه خواهد شد.

دانمارک هفته گذشته ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را با اولویت دادن به تقویت توانمندی دفاعی اروپا در بحبوحه جنگ اوکراین و تهدیدهای آمریکا علیه گرینلند، برعهده گرفت. مت فردریکسون در همین ارتباط اظهار کرد که فشار بر کشورهای عضو اتحادیه اروپا برای عمل به وعده‌های خود درباره بودجه دفاعی و تقویت امنیت اروپا در اولویت برنامه‌های این کشور همزمان با عهده‌دار شدن ریاست دوره‌ای این اتحادیه خواهد بود.

آسوشیتدپرس



وبترین: تازه‌های کتاب

آواز وطن‌دوستی

مناقشه در خزر به بررسی مسائل حقوقی این دریا در صد سال اخیر می‌پردازد



دریای خزر بزرگ‌ترین دریای بسته جهان است. طول آن از شمال تا جنوب بیش از ۱۰۳۰ کیلومتر و پهنای آن (در عرض‌ترین قسمت) تا ۴۰۰ کیلومتر است و مساحتش بیش از ۳۹۰ هزار کیلومتر مربع (بزرگ‌تر از سطح کشور ژاپن) است. بخش شمالی خزر کم عمق است، با عمق متوسط ۴ متر (و کمتر از ۲۰ متر در عمیق‌ترین نقطه) اما عمق بخش جنوبی به ۱۰۲۵ متر می‌رسد. به این ترتیب، این دریا به‌خصوص ثلث جنوبی‌اش که نزدیک به دو سوم حجم آب آن را در خود جای داده، یک ذخیرهٔ استراتژیک آب نسبتاً شیرین محسوب می‌شود.
فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی موجب پیدایش سه دولت جدید ترکمنستان، قزاقستان و جمهوری آذربایجان در کنارهٔ دریای خزر شد و عمیقاً رژیم حقوقی حاکم بر این دریا را – که به موجب معاهده مودت ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ میان ایران و جمهوری سوسیالیستی فدرال شوروی و معاهدهٔ بازگانی و دریانوردی ایران و شوروی در ۲۵ مارس ۱۹۴۰ تنظیم شده بود– تحت‌تأثیر قرار داد. پس از شکل‌گیری کشورهای جدید، رژیم حقوقی جدید دریایی خزر که در قالب معاهدهٔ ۲۰۱۸ «آق‌تائو» (آکتائو) صورت‌بندی شده، تلاش می‌کند میان منافع دولت‌های تازه و دولت‌های ساحلی پیشین (ایران و روسیه) توازن ایجاد کند.

«مناقشه در خزر» به بررسی مسائل حقوقی مرتبط با ایران در دریای خزر می‌پردازد. این کتاب براساس پایان‌نامهٔ فرشاد کاشانی در دانشکدهٔ حقوق کالج برکبک (دانشگاه لندن) نوشته شده است. پایان‌نامه او بر چگونگی ترسیم خط مبدأ ایران در دریای خزر تمرکز داشت اما مؤلف در تنظیم متن فارسی کتاب از بحث خط مبدأ فراتر رفته و نگاه جامع‌تری به مباحث حقوقی ارائه می‌کند. جمشید ممتاز، استاد حقوق بین‌الملل و مشاور وزارت خارجه ایران در مذاکرات تنظیم نظام حقوقی کنوانسیون دریای خزر و علی رئیس‌طوسی، استاد کالج برکبک هم پیش‌گفتارهایی برای این کتاب نوشته‌اند. در بخشی از پیش‌گفتار رئیس‌طوسی دربارهٔ مخاطرات و چالش‌های زیست‌محیطی دریای خزر آمده: «شاید وسیع‌ترین و قطعاً یکی از خطرناک‌ترین انواع آلودگی در دریای خزر، آلودگی نفتی ناشی از عملیات اکتشافی و استخراج نفت به شیوه‌های غیرمدرانه عمدتاً توسط رژیم باکو است. متوسط آلودگی نفتی دریای خزر، یک‌ونیم تا دو برابر بیشتر از حد استاندارد دیگر آب‌هایی است که برای ماهی‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرند. لایه‌های فوقانی آب در قسمت جنوبی دریای خزر به‌شدت توسط انواع هیدروکربن‌های نفتی فنل‌ها و مواد شوینده آلوده هستند و به دلیل چرخش آب دریا در خلاف جهت حرکت غقر به‌های ساعت، آلودگی‌های ناشی از صنایع نفتی و دیگر آلاینده‌ها عملاً از سمت سواحل آذربایجان به‌سمت آب‌های ساحلی ایران حرکت می‌کنند. آلودگی به انواع مختلفی از فلزات سنگین، به‌خصوص جیوه و آرسنیک، از دیگر نگرانی‌ها در قسمت جنوبی دریاست.»

حکایت خزر

فرشاد کاشانی روایت‌گر حکایت‌هایی عمدتاً تلخ در خصوص روابط حقوقی ایران با همسایه /همسایگان شمالی درباره دریای خزر پیش و پس از انقلاب ۱۳۵۷ است. عمدهٔ گرفتاری‌های ایران ناشی از عدم وجود دیدگاه استراتژیک و ضعف دیپلماسی از دوره قاجار به بعد بوده است. هر دوی این عوامل کار را برای تنظیم یک سیاست و موضع‌گیری منسجم در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر مشکل کرده‌اند. نتیجهٔ آن هم وضعیت نامساعدی است که گرفتار آن بودیم و هستیم. کاشانی معتقد

است پس از جنگ ایران و عراق، هیچ موضوع دیگری در نیم قرن اخیر به اندازهٔ سهم ایران در دریای خزر محل بحث و نگرانی ملی دربارهٔ تمامیت ارضی نبوده است. داستان خزر و نگرانی دربارهٔ آن در خاطرهٔ نسل ما به آواز وطن‌دوستی بدل شد و هر کس به فراخور حال خود نگرانی‌اش را بروز داد.

موضع ایران

مشکل و مناقشه اصلی خزر این است که تا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایران و روسیه (شوروی) مالک درصد مشخصی از آب‌های خزر نبودند و خزر دریای مشترک و مشاع دو کشور بود و ایران تا سال‌های اخیر از طرح بهر‌برداری مشاع از منابع دریا (شیلالت) و کف آن (انرژی) حمایت می‌کرد. روسیه هم طرفدار این روش بود اما سه کشور دیگر مدافع تقسیم دریا به مناطق ملی بودند و ایران هم در نهایت با روش روسیه در تقسیم کف دریا و مشترک بودن پهنه آب موافقت کرد. فرشاد کاشانی در بخشی با عنوان «حقوق و تعهدات دولت‌های جدید ساحلی خزر پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی» به این وضعیت حقوقی اشاره می‌کند و می‌نویسد: «اختلافات مربوط به حقوق و تکالیف دولت‌های جانشین شوروی در ارتباط با دریای خزر به‌خصوصا دو معاهدهٔ شوروی با ایران دربارهٔ این دریا، پس از اعلامیهٔ آلمانی و توافق کی‌یف تا سال‌ها ادامه داشت. دو معاهدهٔ سال‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ نظام حقوقی دریای خزر، که بین ایران و روسیه مشترک بودند، محسوب نمی‌شوند و مرزهای آبی دو کشور را هم تعیین نکرده‌اند بلکه صرفاً اُششاراتی به مسائل ماهی‌گیری و کشتی‌رانی در خزر دارند.»

از ماه‌های اول فروپاشی شوروی تا کنون، ایران کمابیش حاکمیت خود را بر ۲۰ درصد خزر اعمال کرده است. هرچند منوچهر متکی، وزیر خارجهٔ اول دولت محمود احمدی‌نژاد گفته بود که امکان سهم ۲۰ درصدی از خزر برای ایران وجود ندارد اما در عمل ایران تاکنون توانسته است از ادعایی که بر یک‌پنجم مساحت خزر برای کف دریا دارد، دفاع کند. با این حال در روش تقسیم خزر بنابر تحولاتی که در مذاکرات دریای خزر پیش می‌آمد، تجدید نظر می‌کرد. ایران ابتدا به دنبال حاکمیت مشترک و مشاع بر همهٔ بخش‌های دریای خزر بود اما سرانجام با روش روسیه در تقسیم کف دریا و مشترک بودن پهنهٔ آب موافقت کرد. یک سال پیش از امضای کنوانسیون دریای خزر و هم‌زمان با نگرانی شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی دربارهٔ سهم ایران در دریای خزر، فرماندهان ارشد نیروی دریایی ارتش در مجلس حاضر شدند و فرماندهی این نیرو اعلام کرد که ارتش ایران بر ۲۰ درصد از دریای خزر حاکمیت دارد.



مناقشه در خزر

مطالعاتی درباره

اختلافات حقوقی ایران و همسایگان
فرشاد کاشانی

نشر اگر

۲۰۸ صفحه

۲۴۰ هزار تومان

معمار نشر مدرن ایران

روایت سیروس پرهام از کارنامهٔ ادبی کریم امامی

در حوزه‌های ادبیات، علوم انسانی و آموزش تبدیل کرد.

سیروس پرهام، یکی از اولین ویراستاران فرانکلین دربارهٔ آغاز ویراستاری در ایران می‌گوید: «ویراستاری در ایران با انتشارات فرانکلین آغاز شد. آن زمان هنوز کریم امامی و نجف دریابندری به فرانکلین نیامده بودند. من کار ویرایش را در آن‌جا شروع کردم.

بازتعریف ویراستاری توسط امامی

تا پیش از امامی، ویراستاری در ایران به اصلاح نگارشی و املایی محدود بود. اما او ویراستاری را به‌عنوان دانشی مستقل معرفی کرد که نیازمند شناخت عمیق متن، زبان و لحن نویسنده است. او می‌گفت: «ویراستار موفق کسی نیست که اشتباهات را کم کند؛ کسی است که معنای پنهان را عیان کند.» امامی همراه با پرهام، سمیعی و دریابندری، بنیان‌گذار سنت ویراستاری نظام‌مند در ایران شد. آن‌ها کتابخانه مرجعی برای ویراستاران ایجاد کردند، فرم‌هایی برای انتخاب و قیمت‌گذاری کتاب طراحی کردند و استانداردهایی خلق کردند که هنوز در نشر حرفه‌ای ایران جاری است. پرهام می‌گوید: «کریم نظم و خلاقیت را با هم ترکیب کرد. او نه‌تنها متن را ویرایش می‌کرد بلکه با طراحی جلد و نظارت بر چاپ به کتاب‌ها هویت بصری می‌داد.»

آثار ماندگار امامی

کارنامهٔ امامی پر است از ترجمه‌هایی که برخی هنوز مرجع‌اند. برجسته‌ترین اثر او، ترجمه «گتسبی بزرگ» نوشتهٔ اسکات فیتز‌جرالد است؛ اثری که با زبانی روان و وفادار به اصل به یکی از بهترین ترجمه‌های ادبی ایران تبدیل شد. او هم‌چنین اشعار تی. اس. الیوت، داستان‌های شرلوک هولمز را به فارسی و آثاری از غلامحسین ساعدی، جمال میرصادقی و صادق هدایت را به انگلیسی ترجمه کرد و پلی بین ادبیات ایران و جهان زد. مجموعه یادداشت‌هایش با عنوان «در قلمرو کتاب» شامل

هجدهم تیر یادآور خاموشی کریم امامی، مترجم برجستهٔ «گتسبی بزرگ»، ویراستار پیش‌گام و یکی از معماران نشر حرفه‌ای ایران بود. ایینا به مناسبت بیستمین سالگرد درگذشت او به سراغ سیروس پرهام، دوست دیرینه و همکار امامی در انتشارات فرانکلین رفته و با او دربارهٔ زندگی، آثار و نقش بی‌بدیل امامی در نشر ایران گفت‌وگو کرده است.

کریم امامی، زادهٔ ۵ خرداد ۱۳۰۹ در کلکته هند و بزرگ شده در شیراز، از کودکی با کتاب و ادبیات عجین بود. پدرش، که تاجر چای بود، او را در دو سالگی به شیراز آورد؛ جایی که تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌اش را گذراند. عشق به زبان و ادبیات، او را ابتدا به دانشگاه تهران سپس به دانشگاه مینه‌سوتا در آمریکا کشاند؛ جایی که در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی تحصیل کرد. بازگشت او به ایران در دههٔ ۱۳۳۰ نقطهٔ عطفی در تاریخ نشر ایران بود؛ بازگشتی که شالوده‌ای نو برای نشر حرفه‌ای و ویراستاری نظام‌مند بنا کرد.

فرانکلین بستری برای نوآوری

انتشارات فرانکلین که در سال ۱۳۳۱ با هدف ترویج کتاب‌های آموزشی و فرهنگی توسط آمریکایی‌ها تأسیس شده بود با ورود امامی در سال ۱۳۴۷ به دعوت همایون صنعتی‌زاده به یکی از پیشروترین مراکز نشر ایران تبدیل شد. این مؤسسه با حضور چهره‌هایی چون سیروس پرهام، نجف دریابندری، احمد سمیعی‌گیلانی و ابوالحسن نجفی از نهادهای خارجی به کانونی بومی برای تولید کتاب‌های باکیفیت بدل شد. امامی در فرانکلین نه‌تنها به‌عنوان مترجم و ویراستار فعالیت می‌کرد بلکه با وسواس در طراحی جلد، صفحه‌آرایی و انتخاب فونت، استانداردهایی نوین برای نشر ایران تعریف کرد. او معتقد بود: «کتاب فقط محتوا نیست؛ شکل و ظاهر آن هم بخشی از هویتش است.» این دیدگاه، فرانکلین را به یکی از تأثیرگذارترین ناشران دهه‌های ۴۰ و ۵۰ با بیش از ۱۵۰۰ عنوان کتاب

نقد: فیلم ایرانی

پرتره فساد و جنون

اکتای براهنی با ساخت **پیر پسر فیلمی ماندگار در سینمای ایران به‌جا گذاشت**

داستان کمک بسیاری کرده و او را به عنوان یک مرد لاابالی و فاسد به خوبی بازشناسی می‌کند.

اما دو چیز دیگر در فیلم هست که باعث تفاوت «پیرپسر» با غالب فیلم‌های سینمای ایران می‌شود. طراحی صحنه و فیلمبرداری همراه با نورپردازی غریب، تمامی آنچه براهنی برای ساخت فیلمی متفاوت لازم داشته را در اختیار او می‌گذارد. طراحی صحنه مملو از جزییاتی است که می‌توان به جرات گفت در بیشتر فیلم‌های سینمای ایران نادیده گرفته می‌شود. رنگ دیوارها، وسایل خانه، تابلوهای نقاشی، خودرویی که به پدر خانواده تعلق دارد، تفاوت طراحی صحنه و رنگ‌آمیزی آناهیتا تیموریان در دو طبقه بالا و پایین خانه، لباس‌هایی که شخصیت‌های به خصوص مردان فیلم به تن دارند همگی آنقدر حساب شده و درست انتخاب شده که نمی‌توان کمتر ایرادی به آن گرفت. خانه، شیره‌کش خانه، عتیقه‌فروشی با چنان جزییات و رنگ‌آمیزی به تصویر کشیده شدند که تماشاگری که به تماشای فیلم نشسته حتی با تخیل خود می‌تواند، بویی هم که در این مکان‌ها به مشام می‌رسد را به خوبی حس کند. فیلم چنان خود را بر تماشاگر غالب می‌کند که راه گریزی برای او باقی نمی‌ماند و تا پایان در تسخیر تصاویر قرار می‌گیرد اما برای این غلبه تصویر بر ذهن و روح تماشاگر حضور یک فیلمبردار کاربلد که او هم به جزییات اهمیت زیادی می‌دهد و قدر نور و تاریکی را به خوبی درک می‌کند، لازمه کار است. فضایی که ادیب سبحانی با تلفیق نورهای مختلف ساخته و خانه‌ای که به تصویر کشیده آنقدر غریب و تازه است که به جرات می‌توان گفت، مشابهش را در فیلم‌های ایرانی حداقل دو دهه اخیر سینمای ایران ندیدیم. تصاویر نشان از تسلط او بر فضاسازی با استفاده از نورپردازی و تاریکی دارد. در طبقه پایین، فضا بیشتر تاریک و کم‌نور است و در طبقه بالای همین خانه، نور بی‌محبا به همه جا راه پیدا می‌کند. سبحانی از فضا و رنگ‌هایی که تیموریان در اختیارش قرار داده حداکثر استفاده را برده و کار او هم



پوتین به ونیز می‌رود

اکران جادوگر کرملین فیلمی اقتباسی درباره پشت‌پرده قدرت در روسیه در جشنواره ونیز

پیر معتاد به کوکائین را بازی کرد.

او همچنین در فیلم دوم سورتینو با نام «پیامدهای عشق» نقش یک حسابدار معتاد به هروئین را برای مافیا بازی کرد. وی نقش سیاستمدار جنجالی ایتالیایی، جولیو آندرتوتی را در فیلم «ایل دیوو» و نقش سیلویو برلوسکونی غول رسانه‌ای که به سیاستمدار تبدیل شد را در فیلم «لورو» سورتینو نیز ایفا کرد. سرویلو اما با نقش به یاد ماندنی‌اش به عنوان نویسنده و چهره خوشگذران رمی که ناگهان دچار شوک نسبت به گذشته خود می‌شود، در فیلم «زیبایی بزرگ» که برنده جایزه اسکار و بقتا بهترین فیلم بین‌المللی ۲۰۱۴ شد، در سطح جهانی خوش درخشید. آلبرتو باربرا، مدیر هنری ونیز در بیانیه‌ای از افتتاح هشتادودمین جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز با فیلم جدید پائولو سورتینو ابراز خوشحالی کرد و یادآور شد که سورتینو در سال ۲۰۱۱ (در سال‌های اولیه ریاست باربرا بر ونیز) با «مرد اضافی» اولین فیلمش، مهمان این جشنواره بوده است.

اگرچه سورتینو چندین اثر بعدی خود از جمله «پیامدهای عشق»، «ایل دیوو» و «زیبایی بزرگ» را ابتدا در کن به نمایش گذاشت اما رابطه او با ونیز در طول سال‌ها با نمایش قسمت‌های اول سریال پیشگامانه‌اش «پاپ جوان» (فصل‌های اول و دوم) در لیدو و با فیلم «دست خدا» در سال ۲۰۲۱ که برنده شیر نقره‌ای و جایزه بزرگ هیات داوران شد، تحکیم شده است.

باربرا افزود: بازگشت پائولو سورتینو به ونیز و در بخش مسابقه با فیلمی همراه است که قرار است برای اصالت بی‌نظیر و ارتباط قدرتمندش با زمان حال، اثری به جا بگذارد که مخاطبان از کشف آن لذت خواهند برد. نویسندگی و کارگردانی «رحمت» بسا پائولو سورتینو بوده است.

گفته می‌شود، فیلم جدید جیم جارموش با نام «پدر، مادر، خواهر، برادر» با بازی کیت بلانشت و آدام درایور نیز از فیلم‌های حاضر در بخش مسابقه لیدو ۲۰۲۵ باشد. پیش از این اعلام شده که الکساندر پین، برنده دو دوره جایزه اسکار، ریاست هیات داوران بخش رقابتی اصلی جشنواره را بر عهده خواهد داشت.

«همنت» ساخته کلونی ژائو، «بوگونیا» ساخته یورگوس لانتیموس، فیلم جنایی «پس از شکار» به کارگردانی لوکا گوادانینو، «هرس بوته ژژ» ساخته کارگردان برزیلی کریم عینوز، «قربانی کردن» اولین اثر انگلیسی‌زبان رومن گاوراس، «کوتور» از آلیس وینوکور، درام تاریخی «بتیم» از لاسلو نمش و «انتخاب دیگری نیست» از فیلم‌ساز صاحب سبک کره‌ای پارک چان-ووک نیز از فیلم‌هایی هستند که احتمال حضور آنها در جشنواره ونیز پیش رو مطرح است.

همچنین فیلم‌هایی چون «من را ملکه صدا بزن» از امیلی عاطف، «ذم سفید» ساخته فیلم‌ساز هلندی نانوک لئوپولد که در ایرلند فیلم‌برداری شده و وسترن «تپایشی برای مُردن» به کارگردانی دارا ون دوسن با بازی جان سی. رایلی و جانی فلین نیز از دیگر گزینه‌های احتمالی هستند. هشتادودمین جشنواره فیلم ونیز از تاریخ ۱۲ آگوست تا ۶ سپتامبر (۵ تا ۱۵ شهریور) برگزار می‌شود.

«جادوگر کرملین» به کارگردانی اولیویه آسایاس که به روند صعود ولادیمیر پوتین در دنیای سیاست پرداخته، به احتمال فراوان در جشنواره ونیز پیش رو رونمایی می‌شود. در حالی که گمانه‌زنی‌ها درباره جشنواره فیلم ونیز افزایش یافته، فیلم «جادوگر کرملین» ساخته اولیویه آسایاس که پیش از این تقریباً هیچ ردیایی در پیش‌بینی‌های جشنواره‌های پاییزی نداشت حالا ممکن است یکی از شگفتی‌سازان ونیز ۲۰۲۵ باشد.

این فیلم اقتباسی از رمان تحسین‌شده و پرفروش نوشته جولیانامبولی است که سال ۲۰۲۲ منتشر شد و خیلی زود جایگاه خود را در فضای ادبی و سیاسی اروپا تثبیت کرد. داستان، نگاهی دارد به پشت‌پرده قدرت در روسیه پس از فروپاشی شوروی به‌ویژه روند صعود ولادیمیر پوتین به رأس قدرت.

در مرکز روایت، شخصیتی به نام وادیم بارانوف قرار دارد، تهیه‌کننده تلویزیونی که نسخه‌ای داستانی از مشاور مشهور و مرموز کرملین، ولادیسلاو سورکوف، است. بارانوف در داستان نقش کلیدی در مهندسی قدرت پوتین و ساختن چهره عمومی او بازی می‌کند، از یک مأمور گمنام کآگب تا مرد قدرتمند کرملین.

شاید جنجالی‌ترین بخش خبر این باشد که جودلا در نقش ولادیمیر پوتین ظاهر شده است، انتخابی که می‌تواند هم تحسین‌برانگیز و هم بحث‌برانگیز باشد. در کنار او، بازیگرانی چون پال دی‌نو، آلیسیا ویکاندر، زک گالیفیاناکیس و تام استوریچ نقش‌آفرینی می‌کنند. ترکیبی که نشان از سرمایه‌گذاری جدی بر این پروژه دارد.

اولیویه آسایاس که پیش‌تر با آثاری چون «خبردار شخصی» و «کارلوس» شناخته می‌شود، در سال‌های اخیر تا حدی از مرکز توجه سینمای جهان فاصله گرفته بود. اما به نظر می‌رسد «جادوگر کرملین» می‌تواند، فیلمی باشد که بار دیگر او را به صدر گفت‌وگوهای سینمایی بازگرداند. با توجه به سابقه حضور آسایاس در جشنواره فیلم نیویورک، انتظار می‌رود این فیلم پس از ونیز در آن رویداد نیز به نمایش درآید.

فیلم «لا گراتسیا» ساخته پائولو سورتینو یک داستان عاشقانه که در آن، این کارگردان برنده اسکار دوباره با تونی سرویلو، بازیگر «زیبایی بزرگ» همکاری کرده به عنوان افتتاحیه جشنواره فیلم ونیز امسال انتخاب شد. «جودلا گراتسیا» که می‌توان آن را در انگلیسی به عنوان «گریس» یا «رحمت» ترجمه کرد، در بخش رقابتی جشنواره هم حضور خواهد داشت. تونی سرویلو در این فیلم در برابر آنا فرزتی بازیگر ایتالیایی، که به تازگی بازیگر فیلم موفق «الماس‌ها» ساخته فرزنان اوزپتک بود، نقش‌آفرینی می‌کند. درباره داستان فیلم جدید سورتینو توضیحی داده نشده و تنها اطلاع موجود این است که یک داستان عاشقانه است که در ایتالیا اتفاق می‌افتد.

«رحمت» هفتمین همکاری سرویلو با سورتینو را رقم زده که تا کنون ۱۰ فیلم سینمایی ساخته است. آنها اولین بار در اولین فیلم بلند سورتینو در سال ۲۰۰۱ با نام «مرد اضافی» با هم همکاری کردند. در این فیلم که با تحسین منتقدان روبه‌رو شد و جایزه روبان نقره‌ای را برای بهترین کارگردان جوان دریافت کرد، سرویلو نقش یک خواننده



پاتوق روشن‌فکران

پس از خروج از فرانکلین در سال ۱۳۵۳ امامی به انتشارات سروش پیوست و آنجا نیز استانداردهای حرفه‌ای را پیاده کرد. پس از پیروزی انقلاب او کتاب‌فروشی «زمینه» را در نزدیکی چهارراه شمیران تأسیس کرد. پرهام درباره این مکان می‌گوید: «حدود ۴۰ سال پیش، کریم در نزدیکی پل چوبی کتاب‌فروشی زمینه را تأسیس کرد. روشن‌فکران و رفقا آنجا جمع می‌شدند و همسرش، گلی امامی، در اداره آن هم‌کاری می‌کرد. «زمینه» فقط کتاب‌فروشی نبود؛ مرکزی فرهنگی بود.»

میراث امامی

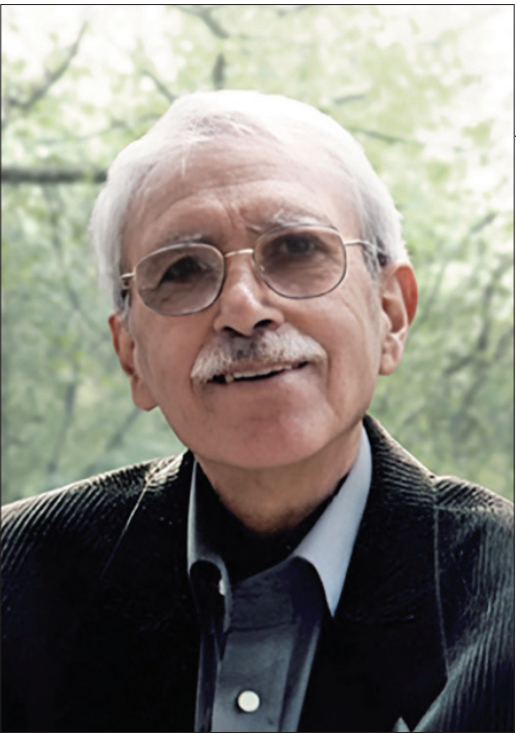
کریم امامی ۱۸ تیر ۱۳۸۴ پس از مبارزه با سرطان خون در تهران درگذشت. اما میراث او در ترجمه، ویراستاری و نشر هم‌چنان زنده است. او با تربیت نسلی از ویراستاران و ناشران به نشر ایران هویت بخشید. دوستی و همکاری‌اش با سیروس پرهام، نمونه‌ای از هم‌فزایی دو ذهن خلاق بود که استانداردهای نشر حرفه‌ای را در ایران پایه گذاشتند. پرهام در پایان گفت‌وگو با ایبنا با حسرتی توأم با افتخار می‌گوید: «کریم نه‌فقط دوست و هم‌کار بود بلکه کسی بود که نشر ایران را به‌معنای واقعی حرفه‌ای کرد.» در بیستمین سالگرد درگذشت امامی، یاد او در هر کتاب ویرایش شده و هر صفحه‌ای که با عشق منتشر شده، زنده است. به قول خودش: «کتاب، فقط کلمات نیست؛ جهانی است که باید با احترام خلق شود.»

است اما با همه امتیازاتی که این کاراکتر دارد شاید بتوان گفت رابطه‌ای که او ابتدا با رعنا برقرار می‌کند کمی با تعریفی که براهنی از او ارائه می‌دهد، دور است. ما در ابتدای فیلم شاهد چانه زدن او با زنی هستیم که به خانه آورده و بعد او را در خیابان در حالی می‌بینیم که در یک دعوای لفظی با چماق به پای پسر جوانی می‌کوبد و ابایی از اینکه به او آسیب بزند، ندارد اما در برابر رعنا چنان از خود انعطاف نشان می‌دهد و با دست‌ودلبازی برای او خرج‌های آنچنانی می‌کند که از چنین شخصیتی بعید به نظر می‌رسد. چنین افرادی عادت دارند با زور و خودخواهی به سرعت به آنچه می‌خواهند، دست یابند. در واقع از جایی که در خودرواش شروع به جر و بحث و کتک‌کاری با رعنا می‌کند، تصویر واقعی از غلام به نمایش درمی‌آید که با آنچه پیش از آن از او دیدیم هم متفاوت است و هم درست‌تر و منطقی‌تر.

علی با بازی حامد بهداد در نقش پسر بزرگ که کمی زیادی موقر و محترم است. اگر او کاراکتری منزوی و یا افسرده داشت این میزان موقر بودن منطقی به نظر می‌رسید اما او بیشتر عمر خود را با چنین پدر فاسد، بددهن و زورگویی سپری کرده و حتی شاهد قتلی بوده که به دست پدر صورت گرفته اما انگار هیچ‌یک از اینها در او اثری نداشته و او در خانواده‌ای متین و محترم رشد پیدا کرده است که چنین رفتاری از خود بروز می‌دهد. در مقابل او، رفتارهای رضا با بازی محمد ولی‌زادگان و بازی او به همین خاطر بیشتر باورپذیر است چراکه او همان چیزی است که در این خانواده و در چنین شرایطی به بار می‌آید. لایبالی، فرصت‌طلب، کینه‌ورز و مملو از عقده‌هایی که از آدمی خشمگین می‌سازد.

مدت زمان زیاد فیلم، می‌توانست کمی کوتاه‌تر باشد، معرفی شخصیت‌ها زمان طولانی به خود اختصاص می‌دهد و سکانسی مانند حضور علی و رعنا در کافه می‌توانست کوتاه‌تر باشد چراکه تنها دیالوگ‌های پس از خروج از کافه در پیشبرد داستان اهمیت دارد نه حضور طولانی مدت آنها در این مکان. حضور به‌یک‌باره رضا در آرایشگاه مادرش در طبقه زیرزمین خانه هم با اینکه بخشی از لایه‌های دیگر این شخصیت و تمایلات او را آشکار می‌کند اما تأثیری در روند داستان ندارد و به نظر اضافه می‌رسد.

با همه اینها «پیرسر» آنقدر امتیاز و نقاط مثبت دارد که می‌توان به بودن این فیلم در سینمای ایران دل‌خوش کرد. چراکه اکنای براهنی موفق شده، فیلمی به کارنامه خود و سینمای ما اضافه کند که تا سال‌ها بعد بتوان از آن مثال آورد و آن را الگوی بسیاری از فیلمسازانی قرار داد که تنها تبدیل به کارمندان سینمایی شدند.



نقد‌ها و معرفی کتاب‌ها، گواهی بر وسعت دانش اوست. امامی هم‌چنین مجله «کتاب امروز» را در فرانکلین سردبیری می‌کرد؛ نشریه‌ای که با گفت‌وگوهای خواندنی و معرفی کتاب‌های روز به پاتوقی برای کتاب‌دوستان بدل شده بود. پرهام در این باره می‌گوید: «من شماره‌ای از کتاب امروز دارم که عکس کریم امامی و نجف دریابندری هر دو روی جلد است و خواندن آن را به محققان توصیه می‌کنم.»

دوستی دیرینه با سیروس پرهام

دوستی کریم امامی و سیروس پرهام ریشه در کودکی و همسایگی در خیابان وصال شیراز داشت. سیروس پرهام درباره سابقه این دوستی می‌گوید: «ما در خیابان وصال همسایه رویه‌رو بودیم. از کودکی هم‌بازی بودیم. ارتباط‌مان با سفر کریم برای تحصیل موقتاً قطع شد اما پس از بازگشتش دوباره برقرار شد. او کتابی ترجمه کرده بود و از من خواست پیش از چاپ بخوانمش. خواندم و نظراتم را برایش فرستادم و این آغاز همکاری‌مان بود.» این دوستی در فرانکلین به اوج رسید. پرهام با سخت‌گیری و دقتش و امامی با خلاقیت و انعطاف‌پذیری‌اش، مکمل یکدیگر بودند. پرهام می‌افزاید: «کریم در فرانکلین روح تازه‌ای به نشر داد. او با مهربانی و دانشش، محیطی ایجاد کرد که همه از کار لذت می‌بردند.»

کمک مهمی به شخصیت‌پردازی براهنی می‌کند. به یاد بیاورید، اتاق غلام را که مانند غاری متروک در این خانه طراحی شده و تنها در ساعتی از روز، اشعه‌ای از نور و آفتاب روی صورتش پهن می‌شود. اگر فیلم براهنی از این شکل طراحی صحنه و فیلمبرداری بی‌بهره بود، «پیرسر» اینطور ساخته نمی‌شد و حالا چنین محصولی به بار نمی‌نشست.

اما در کنار همه اینها فیلم یک حسن پورشیرازی دارد که نمی‌توان آن را نه تنها در «پیرسر» که حتی پس از این در حافظه سینمای ایران نادیده گرفت. پورشیرازی با بازی ناب و بی‌مانندش در این فیلم چیزی را به سینمای ایران اضافه کرد. یک کاراکتر عجیب‌الخلقه که به خوبی از فیزیکش بهره می‌برد تا شخصیتی چرکین و فاسد را به تصویر بگذارد. او از این پس یکی از شخصیت‌های منفی به یادماندنی در سینمای ایران خواهد بود که تبدیل به شاهد مثالی برای منتقد‌ها، فیلمساز‌ها، بازیگران و... خواهد شد. بازی‌اش بی‌نقص



دیدگاه: تحلیل اقتصادی

ترس گله‌ای

آیا ترس و لرزهای این روزهای سهامداران توجیه دارد؟

مهتا معرفت

گروه اقتصاد

بخشی از شرایط موجود ناشی از واقعیت‌های اقتصادی است اما بخشی از شرایط بدون شک ناشی از سوگیری‌های روانی می‌تواند باشد. وضعیت اخیر بورس تهران از منظر مالی را می‌توان با تمرکز بر سوگیری‌های رفتاری و واکنش‌های روان‌شناختی سرمایه‌گذاران تحلیل کرد. بازار سهام ایران در هفته‌های گذشته تحت تأثیر تنش‌های سیاسی و اقتصادی به‌ویژه پس از آتش‌بس جنگ اسرائیل و ایران با افت شدید شاخص کل (حدود ۹.۸۹ درصد) و خروج نقدینگی حقیقی (۲۸۵۷۵ میلیارد تومان) مواجه شده است. این شرایط نشان‌دهنده تسلط سوگیری‌های رفتاری مانند رفتار توده‌وار (Herd Behavior) است که سرمایه‌گذاران به دلیل ترس و بی‌اعتمادی به‌صورت جمعی اقدام به فروش سهام کرده و صف‌های فروش سنگین تشکیل داده‌اند. سوگیری نمانگری (Representativeness Bias) نیز در این میان نقش دارد؛ سرمایه‌گذاران با تکیه بر تجربیات منفی گذشته و تصور تداوم روند نزولی، تصمیمات غیرمنطقی گرفته و از تحلیل‌های بنیادی فاصله می‌گیرند. همچنین سوگیری آنکا و تعدیل (Anchoring and Adjustment) باعث شده که پیش‌بینی‌های سرمایه‌گذاران به شدت تحت تأثیر شاخص‌های فعلی و اخبار منفی باشد بدون اینکه اطلاعات جدید به‌درستی در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ شود. محافظه‌کاری بیش از حد (Conservatism Bias) نیز در رفتار سرمایه‌گذاران مشهود است، جایی که آن‌ها به جای واکنش سریع به اطلاعات جدید به اطلاعات قدیمی و ترس از زیان پایبند می‌مانند که این امر فشار فروش را تشدید کرده است. تزریق نقدینگی دولتی (۶۰ همت) و بسته‌های حمایتی تلاشی برای کاهش هیجانات منفی بوده اما بی‌اعتمادی عمیق ناشی از سوگیری‌های عاطفی (Emotional Bias) و ریسک‌های سیستماتیک مانند تنش‌های سیاسی و سرکوب مالی، مانع از بازگشت سریع اعتماد شده است. رفتار توده‌وار به‌ویژه در حرکت سرمایه‌ها به سمت بازارهای کم‌ریسک‌تر مانند طلا و ارز قابل مشاهده است که نشان‌دهنده تمایل سرمایه‌گذاران به حفظ ارزش‌داری در برابر ریسک‌های درک شده، است. در مجموع، بازار بورس تهران در این دوره تحت تأثیر ترکیبی از سوگیری‌های رفتاری و عوامل خارجی با هیجانات منفی و تصمیم‌گیری‌های غیرمنطقی مواجه بوده که تعادل بازار را مختل کرده است.

ترس جهانی

رفتار سرمایه‌گذاران جهانی در بازارهای سهام از منظر مالی رفتاری تحت تأثیر سوگیری‌های روان‌شناختی و عوامل کلان اقتصادی قرار دارد. در سطح جهانی، سرمایه‌گذاران اغلب به رفتار توده‌وار تمایل نشان می‌دهند به‌ویژه در دوره‌های نوسانات شدید بازار مانند بحران‌های مالی یا رونق‌های اقتصادی. برای مثال در بازارهای صعودی، ترس از جا ماندن باعث هجوم به خرید سهام می‌شود، در حالی که در بازارهای نزولی، ترس از زیان به فروش گسترده منجر می‌شود. مطالعات نشان داده‌اند که زیان‌گریزی که در آن ضررهای مالی ۲.۵ برابر بیشتر از سودهای مشابه اثر روانی دارد، سرمایه‌گذاران را به نگهداری طولانی‌مدت سهام زیان‌ده و فروش زودهنگام سهام سودده سوق می‌دهد. سوگیری‌های شناختی مانند اطمینان بیش از حد نیز در بازارهای جهانی رایج است به‌ویژه در میان سرمایه‌گذاران نهادی که به دلیل دسترسی به اطلاعات گسترده، گاهی ریسک‌های بیش‌تری می‌پذیرند اما اینن می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های غیرمنطقی منجر شود. گرایش احساسی نیز نقش کلیدی دارد؛ در بازارهای توسعه‌یافته مانند آمریکا، شاخص‌های احساسی مانند VIX (شاخص ترس) نشان‌دهنده واکنش‌های عاطفی سرمایه‌گذاران به اخبار و رویدادهاست. در بازارهای نوظهور مانند کشورهای خاورمیانه، همبستگی پایین میان بازارها و تأثیرپذیری از عوامل محلی، رفتار سرمایه‌گذاران را پیچیده‌تر می‌کند.

جهانی شدن مالی با افزایش تحرک سرمایه و کاهش موانع سرمایه‌گذاری، رفتار سرمایه‌گذاران را پویاتر کرده است. در بازارهای بین‌المللی، سرمایه‌گذاران نهادی اغلب به استراتژی‌های بازخورد مثبت (Positive Feedback Trading) روی می‌آورند که می‌تواند نوسانات قیمت را تشدید کند. با این حال در بازارهای توسعه‌یافته، شبکه‌های اطلاعاتی کارآمدتر، نوسانات را تا حدی کنترل می‌کنند. در مقابل، بازارهای نوظهور به دلیل کمبود شفافیت و تأثیرپذیری از اخبار غیرمنتظره بیشتر مستعد رفتارهای احساسی هستند.

در مجموع، رفتار سرمایه‌گذاران جهانی ترکیبی از سوگیری‌های روان‌شناختی مانند زیان‌گریزی و اطمینان بیش از حد و واکنش به عوامل خارجی مانند سیاست‌های پولی، تنش‌های ژئوپلیتیکی و روندهای جهانی است. درک این الگوها برای پیش‌بینی روند بازار و مدیریت ریسک ضروری است.

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بازار سهام ایران در هفته گذشته عملکردی منفی داشت و شاخص کل بورس با کاهش ۹.۸۹ درصدی مواجه شد. روند نزولی بازار انتقادات زیادی را به دنبال داشت اما در روز آخر هفته، اخباری مبنی بر تخصیص ۶۰ همت از سوی نظام بانکی برای حمایت از بازار منتشر شد. حمید یاری، معاون سازمان بورس اعلام کرد این حمایت‌ها ادامه‌دار خواهد بود و بخشی از آن وارد بازار شده است. برخی تحلیلگران این حمایت‌ها را برای کاهش هیجانات و تعادل‌سازی بازار مثبت ارزیابی می‌کنند اما برخی معتقدند، بازگشایی شتاب‌زده بورس و تنش‌های اخیر چشم‌انداز کوتاه‌مدت بازار را منفی کرده است. شاخص کل در پایان هفته به ۲ میلیون و ۶۵۸ هزار واحد رسید و شاخص هم‌وزن نیز با افت ۱۰ هزار واحدی در ۸۳۶ هزار واحد قرار گرفت. با وجود تزریق نقدینگی به صندوق‌های درآمد ثابت (۲۶۹۸ میلیارد تومان) بازار همچنان تحت فشار فروش و خروج سرمایه قرار دارد. بورس تهران در معاملات دیروز باز هم چهره‌ای از «احتیاط حداکثری» سهامداران را به نمایش گذاشت؛ جایی که همه شاخص‌های سهامی با عقب‌نشینی مجسده کار خود را با سرخ‌پوشی تمام کردند. یکی از نکات قابل تأمل و منفی معاملات این روزهای بازار سهام، خروج ادامه‌دار بودن پول حقیقی از بازار است. به طوری که در ۱۴ روز معاملاتی اخیر بازار سرمایه همواره شاهد خروج پول حقیقی بوده است. در این ۱۴ روز مجموعاً ۳۸ هزار و ۱۵۶ میلیارد تومان پول توسط حقیقی‌ها از گردونه معاملات بازار سهام خارج شده است. از ابتدای هفته نیز ۳ هزار و ۱۵۶ میلیارد تومان پول از طریق سهامداران حقیقی از گردونه دادوستدها خارج شده است. کارشناسان، خروج پول بلندمدت از بازار سرمایه

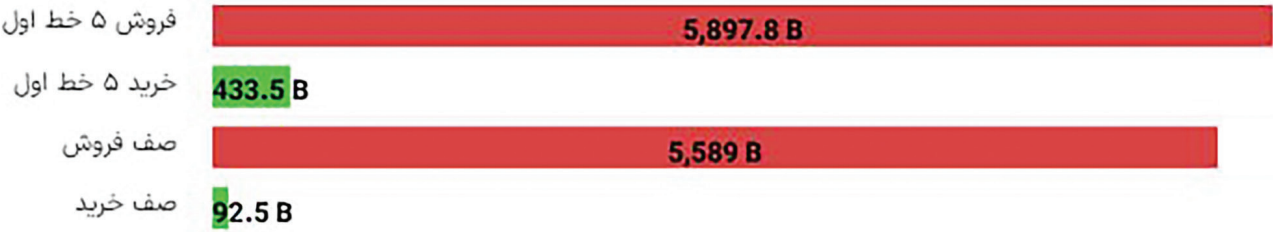
را عمدتاً نشانه‌ای از ترس و احتیاط سهامداران می‌پندارند و معتقدند؛ شرایط کنونی را نمی‌توان صرفاً یک هیجان کوتاه‌مدت در نظر گرفت. بالا بودن ریسک‌های سیستماتیک بازار در کنار عدم اعتماد سهامداران به سیاستگذاران بازار سرمایه موجب جذابیت‌زدایی از بورس تهران و رویگردانی حقیقی‌ها از آن شده است. در جریان معاملات روز چهارشنبه، نامگر اصلی تالار شیشه‌ای کاهش ۰٫۷۹ درصدی (معادل ۲۱ هزار واحد) را تجربه کرد و در سطح ۲ میلیون و ۶۳۷ هزار واحد به کار خود پایان داد. نامگر هموزن بازار سهام نیز با ثبت کاهش ۱٫۰۹ درصد به سطح ۸۲۷ هزار واحد رسید. حمایت‌های صورت گرفته در انتهای بازار، سرخ‌پوشی بازار سرمایه را از ۹۰ درصد به ۷۷ درصد کاهش داد. با این حال همچنان ارزش سفارشات فروش در بیش از ۴٫۴ همت قرار دارد که حدود ۴ همت از ارزش سفارشات فروش بالاتر است. ارزش معاملات خرد در انتهای معاملات روز چهارشنبه به میزان ۶ هزار و ۸۰ میلیارد تومان به ثبت رسید. در انتهای معاملات روز چهارشنبه ۲ هزار و ۲۲۶ میلیارد تومان پول توسط حقیقی‌ها از گردونه معاملات خارج شد.

از سویی کاهش قیمت دلار در معاملات روز سه‌شنبه نیز تداوم داشت و دلار آزاد در معاملات روز چهارشنبه در کانال ۸۸ هزار تومان بازگشایی شد و در ادامه معاملات به کانال ۸۷ هزار تومان عقب‌نشینی کرد. رفت‌وبرگشت‌هایی که در روزهای اخیر در قیمت اسکناس آمریکایی رخ داد؛ نشانگر این مساله است که روند غالبی در روزهای اخیر در بازار وجود نداشته و صعود و نزول قیمت دلار در بازار آزاد، در بستر اخبار رقم خورده است. شاخص ارزی، نیم‌نگاهی به شروع مجدد مذاکرات میان ایران و آمریکا دارد و به همین دلیل معامله‌گران در سمت تقاضای ارز جانب احتیاط را نگه می‌دارند و هیجانی عمل نمی‌کنند. در مجموع می‌توان گفت که دلار در مقیاس هفتگی در هفته قبل با افت همراه شده است.

نمادهای مثبت و منفی (سهام، حق تقدم و ص.سهامی)



ارزش سفارش های خرید و فروش سهام، حق تقدم و ص.سهامی



بازار

شوک جنگ به قیمت‌ها

جنگ ۱۲ روزه چه اثری بر تورم گذاشت؟

فریده اسکندری

گروه اقتصاد

تازه‌ترین گزارش مرکز آمار از تورم خرداد ۱۴۰۴ حاوی نخستین تصاویر رسمی از اقتصاد ایران بعد از جنگ ۱۲روزه ایران و اسرائیل است. تصویری که نشان می‌دهد مسیر کاهش نرخ تورم نتها متوقف شده بلکه بدون لغزش در مسیر صعودی به راه خود ادامه داده است. نرخ تورم ماهانه که شاخصی برای رصد تغییرات کوتاه‌مدت قیمت‌هاست از ۲/۷ درصد در اردیبهشت به ۳/۳ درصد در خرداد افزایش یافته است؛ عددی که با عبور از آستانه هشدار دو درصد، نشانه‌ای از اختلالات تقاضا یا شوک‌های انتظاری است. این نخستین زنگ خطر برای سیاست‌گذاران در هدف‌گذاری نرخ تورم است.

افزون بر آن، نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه نیز که بازتاب‌دهنده روند میان‌مدت قیمت‌ها در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته است به ۳۹/۴ درصد رسیده؛ رقمی که از دی ۱۴۰۲ بی‌سابقه بوده و تنها اندکی با اوج ۴۰/۲ درصدی در آذر آن سال فاصله دارد. همین موضوع دومین زنگ خطر را به صدا درمی‌آورد. تورم سالانه نیز که متوسط ۱۲ ماهه قیمت‌ها را نشان می‌دهد به ۳۴/۵ درصد رسیده است. این عدد هم بالاترین میزان در ۹ ماه گذشته است و موید این واقعیت است که فضای تورمی پس از ماه‌ها ثبات نسبی مجدد در حال فعال شدن است. از تحلیل سید مصطفی خانوار نیز این گونه برداشت می‌شود که محرک اصلی افزایش تورم خرداد نه از سمت کالاهای سرمایه‌ای یا خدمات بلکه از دل بازار خوراکی‌ها بوده است. گروه «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» در خردادماه شاهد تورم ماهانه ۴/۹ درصدی بوده در حالی که نرخ رشد قیمت‌ها در گروه «کالاهای غیرخوراکی و خدمات» به مراتب

سناریوهای پس از جنگ

بازار سرمایه در روزهای اخیر با افت شدیدی همراه شد که این ریزش‌ها ناشی از جنگ بین ایران و اسرائیل بوده است. حال با کاهش ریسک سیاسی و خطر جنگ ایران و اسرائیل سناریوهای مختلفی مدنظر است و امید می‌رود که روند شاخص بورس مثبت و متعادل باشد.

بازار سهام تهران با تعداد معاملات، یک‌میلیون و ۲۴۸ هزار نوبت معاملاتی، ارزش معاملات، ۳۱۲ هزار و ۵۰۴ میلیارد ریال و حجم معاملات ۹۲ میلیارد و ۸۷۹ میلیون برگه اوراق بهادار هفته گذشته را به پایان رساند.

با توجه به داده‌های ارائه شده و شرایط کلی بورس تهران در آخرین روز معاملاتی هفته گذشته، می‌توان تحلیل زیر را برای پیش‌بینی این هفته بازار ارائه داد: شاخص کل با کاهش ۱.۵۴ درصد و شاخص هم‌وزن با افت ۱.۷۳ درصد نشان‌دهنده، فشار فروش در اکثر سهام(به‌ویژه سهام کوچک و متوسط) است؛ همچنین تشدید خروج سرمایه سهامداران خرد از بازار به دلیل ترس و هیجان ادامه‌دار است.

کاهش ارزش معاملات نشان‌دهنده، کاهش نقدشوندگی و تمایل کمتر سرمایه‌گذاران به ورود پول است همچنین تداوم ابهامات ژئوپلیتیک و بلاتکلیفی مذاکرات، می‌تواند بر روان بازار تأثیر منفی بگذارد؛ در نهایت افزایش نرخ دلار آزاد و تورم ادامه‌دار، باعث جذب نقدینگی به سمت بازارهای موازی(مانند ارز و طلا و سکه) می‌شود.

شاخص‌ها ممکن است وقتی به سطوح حمایتی نزدیک شوند با اخباری چون سیاست‌های دولتی در کوتاه‌مدت حمایت شوند و با تزریق هوشمندانه نقدینگی و حمایت پول‌های بزرگ به‌طور موقت صف‌های فروش سهام جمع شوند. ارزش ذاتی جذاب برخی سهام در صورت تثبیت شرایط، سهام بنیادی با P/E پایین ممکن است مورد توجه قرار گیرند.

پایین‌تر و برابر با ۲/۵ درصد گزارش شده است.

افزایش قیمت مواد لبنی از جمله شیر، پنیر و تخم‌مرغ با ثبت تورم ماهانه ۱۰/۱ درصد، چشمگیرترین رکورد را در میان کالاهای خوراکی به نام خود ثبت کرده است. این جهش قیمت از تیر ۱۴۰۱ تاکنون بی‌سابقه بوده و یادآور نوسانات شدید پس از حذف ارز ترجیحی در سال ۱۴۰۱ است. اگرچه این بار شوک ارزی در کار نبوده اما افزایش ناگهانی تقاضا در نتیجه جنگ، یکی از دلایل محتمل برای جهش این گروه کالایی است. در بخش روغن‌ها و چربی‌ها نیز نرخ رشد قیمت به ۳/۴ درصد رسیده؛ عددی که از اسفند گذشته تاکنون بی‌سابقه بوده و به نظر ارتباطی با کم شدن موجودی این کالا در فروشگاه‌ها و هجوم مردم برای خرید این کالا در روزهای ابتدایی جنگ دارد. با نگاه به آمار تورم خرداد و مشاهده افزایش و رکوردهایی که به ثبت رسیده، می‌توان نتیجه گرفت که جنگ بر رشد قیمت‌ها اثر گذاشته اما در عین حال نباید از این نکته نیز غافل شد که تنش‌های اخیر تنها معطوف به ۱۲ روز از خرداد ماه بوده در حالی که تورم این ماه برای ۳۱ روز محاسبه شده است. بنابراین آنچه از آن تحت عنوان «ارتباط جنگ اخیر و افزایش نرخ تورم» یاد می‌شود تنها یک ارتباط همبستگی است و برای تعیین رابطه علی میان آنها باید به روش‌های اقتصادسنجی رجوع کرد.



شب فاجعه نیز برخی مشغول به خیانت علیه همشهریان شده‌اند. با این حال مسئولان امنیتی اتلاش کرده‌اند با افزایش گشت‌ها به وضعیت رسیدگی کنند. با این حال افشای چندین پرونده سرقت در روزهای حمله (همانند نمونه‌های فوق) نشان می‌دهد که دست‌کم در برخی نقاط تهران، سارقان توانستند قبل از رسیدگی مأموران، اموال را تخلیه کنند. کارشناسان و فعالان امنیتی تأکید می‌کنند که در شرایط اضطراری و جنگ، لازم است نیروهای انتظامی برای حفظ امنیت اماکن تخلیه شده، حضور سریع‌تر و بیشتری داشته باشند تا از هرگونه سودجویی جلوگیری شود.

در بحبوحه جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل علاوه بر تلفات ناشی از حملات، مشکلات جدیدی نیز پدید آمد. از مجتمع مسکونی استادان در سعادت‌آباد تا خانه کیوان ساکت، موارد متعددی از سرقت اموال یاد شده است. این وقایع یادآور شده که علاوه بر کمک‌رسانی به مناطق آسیب‌دیده، رسیدگی به امنیت فوری املاک تخلیه‌شده نیز اهمیت دارد تا مردم علاوه بر خطرات جنگ؛ در امان از تلخی‌های شوم داخلی باشند.

بهداشت و درمان

۷۰۰ شهید غیر نظامی و ۷ حمله به بیمارستان

وزیر بهداشت آخرین آمار کشته و زخمی‌های جنگ ۱۲ روزه را اعلام کرد

سه‌شنبه ۱۷ تیرماه، محمدرضا ظفرقندی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به‌همراه سعید اوحدی، رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران از کیان قاسمیان، کودک ۵ ساله مجروح در حملات اخیر رژیم صهیونیستی، عیادت کردند. در حاشیه این بازدید، وزیر بهداشت جزئیات تکان‌دهنده‌تری از ابعاد این فاجعه را بسا خبرنگاران در میان گذاشت. ظفرقندی گفت که از آغاز جنگ ۱۲ روزه تاکنون نزدیک به ۷۰۰ غیر نظامی در تهران و سایر شهرها به شهادت رسیده‌اند و شمار مجروحان غیر نظامی به حدود ۵ هزار نفر رسیده است. او با اشاره به وضعیت وخیم کیان قاسمیان که با سوختگی دست‌کم ۵۰ درصدی دست و پنجه نرم می‌کند، این کودک و خانواده‌اش را نماد بی‌گناهی مظلومانی خواند که در حملات کور و بی‌رحمانه، هم خون داده و هم جان به لب شده‌اند. در این مدت ۷ بیمارستان به‌طور مستقیم هدف بمباران قرار گرفته و برخی مراکز درمانی و حتی ۱۱ دستگاه آمبولانس آسیب دیده‌اند. بر اثر این حملات ۱۸ نفر از اعضای کادر سلامت از جمله ۶ پزشک جان خود را در مسیر خدمت از دست داده‌اند. وزیر بهداشت ضمن تأکید بر مغایرت این اقدامات با موازین بین‌المللی حقوق بشر از تلاش شبانه‌روزی پزشکان، پرستاران و همه دست‌اندرکاران درمان قدردانی کرد و گفت: «از لحظه وقوع حملات، کادر درمان با غیرت و فداکاری از هیچ کوششی فروگذار نکرد و همچنان به بیماران رسیدگی می‌کنند». ظفرقندی افزود که در پی این حوادث، برخی مراکز درمانی اضطراراً تخلیه شده‌اند اما با بسیج امکانات و انتقال بیماران به واحدهای جایگزین، خدمت‌رسانی دچار وقفه نشده است. او اظهار امیدواری کرد که مستندسازی دقیق این جنایات، زمینه‌ساز پیگیری‌های حقوقی در سطح بین‌المللی شود تا عاملان این حملات به زودی پاسخگوی رفتار ضدانسانی خود باشند. ساعاتی پیش از اظهارات وزیر، تصاویر و فیلم‌هایی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که نشان می‌داد برخی سارقان فرصت‌طلب در پی بمباران به بیمارستان‌ها و خانه‌های تخلیه شده، هجوم آورده‌اند. این وقایع یادآور دشواری‌های مضاعفی است که در کنار ویرانی زیرساخت‌های شهری و فقدان امنیت کامل جان مردم را تهدید می‌کند.

بمباران» می‌داند. سخنان کیوان ساکت، تصویر روشنی از تجربه تلخ ساکنان برخی مناطق تهران ارائه می‌دهد که نه‌تنها در حملات آسیب دیدند بلکه عده‌ای نیز در شب‌های ویرانی، اموال باقی مانده را برده‌اند.

نشریات داخل و خارج کشور نیز به روایت عکاسان از این وقایع پرداخته‌اند. روزنامه هم‌میهن در گزارشی با چند عکاس ایرانی که جنگ ۱۲ روزه را در تهران پوشش دادند، گفت‌وگو کرد. این افراد علاوه بر ثبت صحنه‌های دلهره‌آور و غم‌انگیز از انفجارها و تلفات، مشاهدات تکان‌دهنده‌ای هم از رفتار برخی مردم داشتند. مجید سعیدی به‌عنوان نمونه می‌گوید درحالی که هنوز جنگ به پایان نرسیده بود، «ساعت ۵ صبح دزد به بعضی از خانه‌ها زد و غارت شروع شده بود». تصویری که او و سایر عکاسان (مانند مریم رحمانیان) در ذهن دارند، گویی عده‌ای به محض غبار آرامش پس از انفجار به دنبال فرصت بودند و مأموران پلیس در برخی مناطق به قدری مشغول مقابله با نبرد بودند که این دزدان توانستند، وارد خانه‌ها شوند. گزارشگران همزمان به سختی مشاهدات خود را ثبت می‌کردند تا تاریخ شهادت دهد در

توسعه‌گرایی باعث شده تا درختان به عنوان مانع در پروژه‌ها دیده شده و بدون جایگزینی مناسب حذف شوند. فعالان محیط زیست بارها نسبت به نبود شفافیت در فرآیند صدور مجوز قطع درختان و ضعف در اطلاع‌رسانی به شهروندان اعتراض کرده‌اند. همچنین هماهنگی ناکافی بین نهادهای مختلف از جمله شهرداری، سازمان فضای سبز، محیط زیست و دیگر ارگان‌ها باعث شده که برنامه‌ریزی بلندمدت و یکپارچه‌ای برای حفظ و توسعه فضای سبز صورت نگیرد.

پیامدهای مرگ درختان

کاهش درختان در پایتخت تبعات منفی متعددی دارد. کاهش سطح پوشش سبز، میزان تولید اکسیژن را کاهش داده و آلودگی هوا را افزایش می‌دهد. درختان علاوه بر نقش زیست‌محیطی، در کاهش دمای شهر، مقابله با اثر جزیره گرمایی و جذب آلاینده‌ها موثر هستند. حذف درختان می‌تواند به تشدید آلودگی هوا و مشکلات تنفسی در شهروندان منجر شود. همچنین فضای سبز به عنوان مکانی برای استراحت و تفریح، نقش اساسی در سلامت روان و جسمی ساکنان شهر ایفا می‌کند. از بین رفتن این منابع، کیفیت زندگی را کاهش داده و حس تعلق مردم به شهر را تضعیف می‌کند. نقاطی مانند خیابان ولیعصر، که به عنوان طولانی‌ترین خیابان تهران و یکی از اصلی‌ترین شریان‌های شهر شناخته می‌شود، طی سال‌های اخیر شاهد خشک شدن و قطع تعداد زیادی از درختان بوده است. این موضوع نه تنها به کاهش زیبایی و کیفیت محیطی خیابان منجر شده بلکه باعث نگرانی اهالی و گردشگران نیز شده است.

پارک‌های بزرگی مانند چیتگر و سرخه‌حصار که در گذشته پناهگاه‌هایی سبز برای شهروندان به حساب می‌آمدند به تدریج با بحران خشک‌دگی و قطع درختان روبه‌رو شده‌اند. این موضوع علاوه بر ایجاد مشکلات زیست‌محیطی، تهدیدی برای تنوع زیستی و حیات وحش این مناطق محسوب می‌شود.

خشک شدن و قطع درختان تهران بحران دیرینه‌ای است که نتیجه ترکیبی از عوامل طبیعی، انسانی و مدیریتی است. محدودیت منابع آب، تغییرات اقلیمی، آلودگی‌های زیست‌محیطی و ضعف نظارت بر فضای سبز شهری دست به دست هم داده‌اند تا این مشکل به مرحله هشدار برسد. برای حفظ سرمایه‌های طبیعی تهران، توجه ویژه به مدیریت درست فضای سبز، تقویت هماهنگی بین نهادهای مرتبط و توسعه فرهنگ حفاظت از درختان ضروری است. اگرچه برخی اقدامات برای کاشت درختان جدید آغاز شده اما شرایط کنونی نیازمند رویکردی جامع و پایدار است تا تهران دوباره به شهری سبز و زنده تبدیل شود.

ضبط شد. پرونده متهمان با این اموال مسروقه به دادسرا ارسال گردید. این گزارش‌ها از یک سو نشان‌دهنده وجود تدابیر پلیسی (گشت‌های محسوس و نامحسوس) برای جلوگیری از سرقت است و از سوی دیگر تأییدی است بر فرصت‌طلبی تعدادی از افراد. همان‌طور که سردار قنبری، رئیس پلیس آگاهی فراجا، اعلام کرد، در طول جنگ ۱۲ روزه حدود ۷۰۰ گشت و یژه مقابله با سرقت در شهرها فعال بود و به‌طور کلی آمار سرقت نسبت به بازه مشابه قبل کاهش ۵۰ درصدی داشته است. با این حال همین موارد دستگیری نشان می‌دهد که حداقل در برخی نقطه‌ها مانند مجتمع اساتید، سارقان فرصت کوتاهی یافته بودند.

سرقت از خانه کیوان ساکت

یکی دیگر از موارد گزارشی، خانه استاد موسیقی «کیوان ساکت» در تهران بود. ساکت که در پی حمله موشکی دشمن با خسارت سنگین به ساختمان محل سکونتش رویه‌رو شده بود، در گفت‌وگو با رسانه‌ها گفت که همان شب حمله، خانه‌اش از سوی سارقان غارت شد. او می‌گوید خانه‌اش «عملاً غیرقابل سکونت شده و تمام وسایل، اسناد، کتاب‌ها، آلات موسیقی و همه چیز از بین رفته است». اما «چیزی که اندوه مرا عمیق‌تر کرد»، نحوه سرقت بود: «باورم نمی‌شود در همان شبی که خانه‌ای به خاطر جنگ ویران شده، عده‌ای بیایند و به جای کمک، دزدی کنند. نمی‌دانم این مساله را چگونه باید توصیف کرد». به گفته وی، خانه‌شان «مورد سرقت قرار گرفت» و او این سوء عمل را «تلخ‌تر از

آن افزوده می‌شود، زنگ خطری جدی برای سلامت اکوسیستم شهری و کیفیت زندگی شهروندان به شمار می‌آید. بر اساس گزارش‌های رسمی شهرداری، عمده درختان خشک شده به دلایلی همچون آفت‌زدگی، کهنسالی و ضعف طبیعی دچار بیماری شده‌اند و به همین دلیل شهرداری اقدام به قطع آنها می‌کند تا خطر ریزش و ایجاد حادثه برای مردم را کاهش دهد. در همین راستا کمیسیون ماده ۷ شهرداری نیز مجوز قطع درختان ناسالم و خشک را صادر می‌کند تا فرآیند قطع قانونی و کنترل شده باشد. با این وجود، آمار و مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که قطع درختان حتی گاهی بدون دلیل موجه و به شکل گسترده اتفاق می‌افتد که موجب نگرانی‌های جدی فعالان محیط زیست و شهروندان شده است. به‌خصوص در مناطقی که فضای سبز به دلایل مختلف محدود است، کاهش هرچه بیشتر درختان به زیان اکوسیستم شهری تمام می‌شود. کارشناسان محیط زیست معتقدند که دلایل خشک شدن درختان تنها محدود به آفت یا پیری نیست بلکه مجموعه‌ای از عوامل دست به دست هم داده‌اند تا این بحران شکل بگیرد. مهم‌ترین عامل، کاهش منابع آبی است که به دلیل کم‌آبی گسترده در سال‌های اخیر و ناتوانی در آبیاری مناسب فضای سبز، درختان توان مقابله با گرما و تش‌های محیطی را از دست داده‌اند.

از سوی دیگر، افزایش آلاینده‌های هوا و تغییرات اقلیمی که تهران را نیز به شدت تحت تأثیر قرار داده بر سلامت درختان اثر منفی گذاشته است. گرمای شدید، وزش بادهای خشک و کاهش رطوبت خاک، شرایط نامساعدی را برای بقای گونه‌های درختی ایجاد کرده است. افزون بر این موارد، برخی از پروژه‌های عمرانی و ساخت‌وسازهای شهری به گونه‌ای اجرا شده‌اند که باعث آسیب به ریشه درختان یا تغییر ساختار خاک و آبخوان‌های زیرسطحی شده‌اند. این تغییرات علاوه بر تضعیف درختان موجب خشک شدن سریع‌تر و در نهایت نیاز به قطع آن‌ها شده است.

ضعف مدیریت و نظارت شهرداری زاکانی

در کنار عوامل طبیعی و محیطی، ضعف مدیریتی و نظارتی یکی از مشکلات عمده در کنترل و پیشگیری از خشک شدن و قطع غیرضروری درختان است. شهرداری و سایر نهادهای مرتبط، گرچه قوانینی برای حفظ فضای سبز دارند اما اجرای این قوانین با چالش‌هایی روبه‌روست. نظارت ناکافی بر عملکرد پیمانکاران فضای سبز و صدور مجوزهای قطع درختان بعضاً بدون بررسی دقیق سلامت درختان، موجب افزایش قطع‌های غیرضروری شده است. در مواردی، فشارهای اقتصادی و

گروه اجتماعی: در جریان جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران علاوه بر ویرانی زیرساخت‌ها، گزارش‌های زیادی از سرقت خانه‌ها در تهران منتشر شد. عکاسان خبری و شهروندان روایت می‌کنند که در ساعت‌های اولیه پس از حملات، برخی سارقان از خانه‌های خالی شده سوء استفاده کرده‌اند. برای مثال مجید سعیدی، عکاس خبری که از سرگراه نخست جنگ در مناطق چمران و نارمک حضور داشت، می‌گوید: «ساعت ۴ صبح حمله شده بود اما ساعت ۵ صبح دزد به بعضی از خانه‌هایی که نصفه‌و نیمه سالم مانده بودند، زد و غارت شروع شده بود...». به بیان او، هنوز جنگ ادامه داشت اما دستبرد به اموال مردم آغاز شده بود. این روایت نشان می‌دهد که برخی افراد گویی آماده بودند تا بلافاصله پس از بمباران به غارت بپردازند.

یکی از برجسته‌ترین نمونه‌ها را پلیس تهران گزارش کرده است. مجتمع مسکونی «اساتید سرو» در غرب تهران (منطقه سعادت‌آباد) که معمولاً محل سکونت استادان دانشگاه بود به دلیل حملات موشکی تخلیه شده بود. سرهنگ افشاری، سرکلانتر دوم پلیس پیشگیری تهران می‌گوید به سبب خالی شدن مجتمع از ساکنان و باقی ماندن اموال شهروندان، گشت‌های ویژه‌ای برای حفظ اموال شروع شد. در همین گشت‌زنی‌ها، سه نفر سارقی را دیدند که در حال سرقت اموال ساکنین بودند؛ مأموران با مشاهده آنان وارد عمل شدند و هر سه را در کسری از ثانیه دستگیر کردند. در بازرسی از متهمان، دو رشته دستبند، دو گوشواره، یک رشته گردنبند، یک انگشتر و دیگر اقلام کشف و

شهر

مرگ درختان تهران

دادستانی و بازرسی کل کشور به ماجرای خشک شدن درختان تهران ورود کردند

گروه اجتماعی: در روزهایی که تهران با تش آب و گرمای بی‌سابقه دست‌وپنجه نرم می‌کند، حال و روز درختان پایتخت نیز آینه تمام‌نمای بی‌تدبیری‌ها، ضعف نظارت و مصلحت‌اندیشی‌هایی است که طبیعت را قربانی منافع کوتاه‌مدت کرده‌اند.

حسن عباس‌نژاد؛ رئیس سازمان حفاظت محیط زیست استان تهران، خبر داده که پرونده‌های ویژه‌ای درباره خشک‌دگی درختان در چندین نقطه حساس پایتخت از جمله خیابان ولیعصر، پارک ملی خجیر، جنگل‌های سرخه‌حصار و چیتگر تشکیل شده و دادستانی به همراه سازمان بازرسی کل کشور در حال پیگیری و بررسی تخصصی این موضوع هستند. عباس‌نژاد با اشاره به تأثیرات متعددی که باعث این خشک‌دگی شده‌اند به کاهش بارش‌های جوی، تغییرات اقلیمی، ضعف در آبیاری و استفاده گاه نادرست از آب فاضلاب در فضای سبز تهران اشاره کرده است. او تأکید دارد که مشکلات مدیریتی و نگهداشت فضای سبز از جمله کمبود استفاده از روش‌های نوین و اکوسیستم‌محور موجب تشدید این بحران شده است. رئیس سازمان محیط زیست استان تهران با هشدار نسبت به بیماری‌شانکر که به سرعت در درختان ضعیف گسترش می‌یابد، گفت: «درختان بیمار با کوچک‌ترین آسیب یا حمله آفت به سرعت خشک می‌شوند و اگر روند فعلی ادامه یابد، ممکن است در مدت کوتاهی بخش بزرگی از فضای سبز تهران از بین برود».

از نکات مهم این بحران، ضعف در نظارت و عدم عضویت سازمان محیط زیست در کمیسیون ماده ۷ شهرداری‌هاست؛ کمیسویی که نقش کلیدی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به حفظ فضای سبز دارد. عباس‌نژاد تأکید کرده که سازمان محیط زیست باید عضو این کمیسیون شود تا با حضور کارشناسی قوی‌تر، تصمیمات بهتری برای حفاظت از درختان پایتخت اتخاذ شود.

با توجه به افزایش دمای هوا، کاهش بارش‌ها و ضعف در شیوه‌های آبیاری و هرس در نقاطی مانند سرخه‌حصار، چیتگر، پارک ملی خجیر و خیابان ولیعصر، تهران در آستانه از دست دادن بخش مهمی از سرمایه‌های طبیعی خود قرار گرفته است؛ سرمایه‌هایی که اگر به موقع نجات داده نشوند، جبران‌ناپذیر خواهند بود.

بدون دلیل موجه

طی سال‌های گذشته، پایتخت کشور با بحران گسترده‌ای در حوزه محیط زیست مواجه شده که خشک شدن و قطع درختان به‌خصوص در نقاط شاخصی مانند خیابان ولیعصر، پارک چیتگر، سرخه‌حصار و پارک ملی خجیر، نمود بارزی یافته است. این مساله که هر سال بر وسعت و عمق

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آیین‌فر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰

تقویم: توده علیه سلطنت، سلطنت علیه انقلاب

در ۱۸ تیرماه ۱۳۵۹ با دستگیری و کشته شدن تعدادی از عوامل کودتای نوژه یا آنچه عاملانش به نام عملیات نقاب می خوانند، فاش شد که بازماندگان ارتش شاهنشاهی قصد سرنگونی جمهوری اسلامی را داشتند. پایگاه سوم شکاری شاهرخی در نزدیکی شهر کیودرآهنگ استان همدان مرکز فرماندهی کودتاجیان بود. فرماندهی کل کودتا به‌دست سپهبد سعید مهدیان(فرمانده پیشین نیروی هوایی ایران) و رهبری قسمت نیروی هوایی این کودتا برعهده سرتیپ خلبان رئیس آکروجت شاهنشاهی آیت محققى بود. هدف نخست کودتا، حملهٔ هوایی به منزل امام خمینی در حسینیۀ جماران سپس حمله به برج مراقبت فرودگاه مهرآباد و در ادامه، قرار بود ساختمان مجلس و مراکز رادیو و تلویزیون تسخیر و بسیاری از مسئولان جمهوری اسلامی بازداشت شوند اما سران حزب توده وقتی فهمیدند که سلطنت‌طلبان می‌خواهند علیه انقلاب و حکومت تازه تاسیس کودتا کنند، ماجرا را به سران جمهوری اسلامی اطلاع دادند و همه چیز لو رفت و کودتاگران بازداشت و اعدام شدند.

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۲۷۳

ادامه شنبه ۲۰ بهمن

طرح علی شمخانی

آقای [علی] شمخانی، وزیر دفاع آمد. طرحی برای کیفیت برخورد با خطر تجاوز آمریکا آورد. پول افغانی روز به روز سقوط می‌کند و اکنون ۵/۵ افغانی در مقابل یک ریال ایرانی است که اول تشکیل دولت موقت ۵/۱ افغانی برابر یک ریال بود. در فلسطین روزانه دو طرف تلفات می‌دهند. فلسطینی‌ها با استقبال از شهادت، جنایات اسراییل را بی‌جواب نمی‌گذارند و بین اروپا و آمریکا بر سر ماندن [یاسر] عرفات اختلاف زیاد است. شب در دفترم ماندم.

یک‌شنبه ۲۱ بهمن

ناراحتی بهزاد نبوی

صبح زود مشغول کار شدم. آقای [سیدمحمدباقر] خسروشاهی، رئیس [تولیت] مدرسه [علمیه] شیخ‌الحسین آمد. از اوقاف به خاطر سخت‌گیری در مورد مصرف عواید موقوفه‌ها و نیز از بد عمل شدن برنامه بیمه روحانیون و از مشکلات مساجد جنوب شهر شکایت داشت و برای رفع مشکلات روحانیون استمداد کرد و گفت، تبلیغات منفی علیه آقا‌زاده‌ها، ضرباتی به روحانیت و پشتوانه‌های اصلی انقلاب وارد آورد.

آقای صادق خرازی، [معاون وزیر امورخارجه] آمد. نمونه‌های انتشارات جدید معاونت آموزشی وزارت امورخارجه را آورد. گزارش تأسیس مرکز اسناد وزارت امورخارجه را داد. اسناد چند قرن گذشته با حدود ۹۰ میلیون سند، نامنظم در انبار‌هاست. از مدیریت رهبری و رئیس‌جمهور انتقاد دارد. گفت، وزارت اطلاعات در مسأله حضور بعضی از اعضای القاعده در ایران، مقصر است. از روزنامه کیهان به خاطر برخورد بد با او بر سر مسأله مجسمه بودا در افغانستان ناراحت است. از او نقل کرده‌اند که گفته، ایران آماده است مجسمه منهدم شده توسط طالبان را بازسازی کند و این باعث شده است که پدرش [آقای سیدمحسن خرازی] مورد انتقاد مراجع قم قرار گرفته که به او اعتراض کنند. از سیاست خارجی کشور در مورد عراق که قابل اعتماد نیست، انتقاد داشت.

آقای بهزاد نبوی، [نامیده تهران و نایب‌رئیس مجلس] آمد. از فشاری که بر بعضی از دوم‌خردادی‌ها وارد می‌شود و از عدم اعتماد رهبری به آنها ناراحت است. با نظر وزارت دفاع و [وزارت] اطلاعات درخصوص جدی بودن خطر حمله آمریکا موافق نیست. از من خواست که برای بی‌طرف کردن رهبری در مواضع‌شان نسبت به اوضاع کمک‌شان کنم. گفت، ملی مذهبی‌ها را برانداز نمی‌دانند. در مورد متهمان پرونده [شهرام] جزایری که در ملاقات هیأت‌رئیس‌ه فراسیون دوم خرداد درخواست کرده بودند، پیگیری کرد. گفتن با رهبری صحبت کرده‌ام؛ نظر ایشان این است، آنها که پول گرفتن‌شان ماهیت مجرمانه ندارد، مشکلی ندارند و آنها که مرتکب جرم شده‌اند، مجازات می‌شوند.

آقای [بهزاد] نبوی گفت، بعضی‌ها در جناح راست، می‌خواهند از مسأله خطر آمریکا استفاده کرده و محدودیت ایجاد کنند و گفت، راه صحیح مقابله با خطر، این است که رهبری به جناح دوم‌خردادی هم مثل طرف مقابل، اعتماد کنند. گفت، اکثر دوستان‌شان قبول دارند که شما بنیانگذار فکر اصلاحات بوده‌اید و انتخابات مجلس پنجم و انتخابات ریاست‌جمهوری دوم‌خرداد، دلیل این نظریه است و اضافه کرد، در دولت شما، هفته‌نامه «عصر ما»، [ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی] به صراحت انتقاد می‌کرد و هیچ‌گاه مورد تعرض قرار نگرفت.

در مقابل، آقای [علی] لاریجانی، پیشنهاد داشت که برای جلوگیری از خطر آمریکا باید با جلوگیری از ماجراجویی‌های جناح چپ، انسجام و هماهنگی داخلی را تقویت کرد.

مخالفت با دولت‌ها

واقعۀ ۱۸ تیر را نمی‌توان جدا از برخورد نظام‌مند با رسانه‌های منتقد دانست. کمتر از یک سال پس از ۱۸ تیر، ده‌ها روزنامه توقیف شدند. قبل‌تر از آن نیز از جامعه و توس تا نشاط و عصر آزادگان، یکی پس از دیگری توقیف شده بودند. تحریریه‌ها پی‌درپی تهدید می‌شدند و خبرنگاران میان قلم و تهدید، روزگار می‌گذراندند. مطبوعاتی که قرار بود ریه‌های جامعه باشند، در معرض برخوردهای شدید قرار می‌گرفتند. از آن سو برخورد با دانشجویان نیز افزایش یافته بود. چه آنکه در آن مقطع، هم روزنامه‌نگاران و هم دانشجویان به دو قشر مورد توجه جامعه تبدیل شده بودند و تقریباً مرجع بودند. بدین ترتیب جامعه مدنی حامی دولت، تهدید شد و دولت هم تنها شد و هم مورد نقد حامیان خود قرار گرفت. وضعیت محمد خاتمی، وضعیت بدی بود. میان ساختارهای رسمی حکومت و ساختارهای جامعه گرفتار شده بود.

فراموش نکنیم که سیدمحمد خاتمی با رأیی تاریخی روی کار آمد اما دولت او، همان‌گونه که بارها تأکید کرد، «هر روز با یک بحران تازه» مواجه بود. بخشی از نهادهای قدرت به جای همکاری و حمایت به صف منتقدان او پیوستند. روزنامه‌ها توقیف شدند، دانشجویان بازداشت شدند و شخصیت‌های سیاسی تحت فشار قرار گرفتند. در پشت پرده ساختار سیاسی، جنگی فرسایشی میان صندوق رأی و پاره‌ای از نهادهای انتصابی جریان داشت.

اما این فقط خاتمی نبود که چنین وضعیتی پیدا کرده بود. این الگو در دولت حسن روحانی با صدای رساتر تکرار شد. فضای رسانه‌ای علیه دولت، جنگی آشکار به راه انداخت. منتقدان بی‌محابا از واژه‌هایی چون «خائن»، «وطن‌فروش»



و «نفوذی» علیه اعضای کابینه روحانی استفاده کردند. هر اقدام دولت اعتدال با کارشکنی از سوی بخش‌های پیدا و پنهان مواجه شد. روحانی در پایان ۸ سال ریاست‌جمهوری‌اش از «دولت بی‌اختیار» سخن گفت و از «دولت موازی» که عملاً امکان مدیریت کشور را از او گرفته بود. رقیبان او، انتخابات را باخته بودند اما در طول ۸ سال ریاست‌جمهوری روحانی نه تنها ریاست‌جمهوری او را نپذیرفتند بلکه به انحای‌های مختلف کوشیدند، دولت او زمین‌گیر و سرنگون شود. اوج این اتفاقات در دی ماه ۹۶ و پس از آن آبان ۹۸ بود.

سر برآوردن دوباره افراط

اکنون در آستانه دومین سال دولت پزشکیان و پس از جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرئیل که زخم‌های بسیاری بر جای گذاشت، نشانه‌های همان الگو، به‌شکلی نگران‌کننده، دوباره سر برآورده است. پزشکیان با تکیه بر گفتمان وفاقی و همبستگی، سلامت و شفافیت، سکان قوه مجریه را به دست گرفت اما در همان ابتدای راه با همه‌ای سیستماتیک از سوی جناح بازنده انتخابات مواجه شد. منتقدانی که در زمین رسانه‌ای و پارلمانی هر روز بر طبل ناکارآمدی دولت می‌کوبند بی‌آنکه مسئولیتی برای وضعیت گذشته بپذیرند.

شوک‌آورترین رخداد اما در همین دیروز، ۱۸ تیر ۱۴۰۴، رقم خورد. در اتفاقی بی‌سابقه، یکی از اعضای تدرروی شورای شهر رشت، در اظهارنظری حیرت‌انگیز و خاتنه‌ان، از رژیم اسرئیل خواسته است که رئیس‌جمهور ایران، مسعود پزشکیان را ترور کند. این سخن که حتی در بدترین بحران‌های سیاسی کشور سابقه نداشته نه تنها تهدیدی علیه امنیت ملی است بلکه نشان می‌دهد که بخشی از جریان سیاسی- به نام انقلاب- تا چه اندازه در فروپاشی درونی ساختار جمهوری اسلامی نقش دارند. این دیگر فقط «تدروری» نیست؛ خیانت به رأی مردم و همراهی با دشمن خارجی است.

۱۸ تیر تنها یادآور خشونت علیه دانشجویان نیست؛ نماد شکست گفت‌وگو، فروپاشی اعتماد و طغیان افراطی‌گری در هر دو سوی میدان است. نه دانشجویان مقدس بودند و نه نیروهای مقابل آنها تماماً منحرف. اما تدروری و حذف، از هر طرف که باشد، یک نتیجه دارد: تضعیف جمهوریت و تهدید همبستگی ملی.

سؤال اکنون این است: آیا ساختار قدرت از این تجربه‌ها درس می‌گیرد؟ آیا مخالفان سیاسی می‌پذیرند که بازی دموکراسی فقط در روز انتخابات نیست؟ آیا ما به‌عنوان جامعه می‌توانیم فراتر از جناح به نفع وطن بیندیشیم؟ در نهایت، اگر هر بار پس از رأی مردم، بازندگان بخواهند عرصه را به آشوب بکشند، دموکراسی در ایران هیچ‌گاه به بلوغ نخواهد رسید. ۱۸ تیر ۱۴۰۴ نه تنها زمان یادآوری زخم‌هاست بلکه فرصتی است برای ترمیم. به شرط آنکه همه بپذیرند، نه قدرت ابدی است و نه رأی مردم شوخی.